

زاجان؛ دیار برج‌ها

خرده‌روایت‌هایی از زاجان از نگاه فرهیختگان، ایثارگران، فعالان و مسئولان محلی

زاجان؛ قریه‌ای از رهنان ۲

حمامی که قهوه‌خانه شد ۵

گفت‌وگو با بهروز تاجمیرریاحی، مدیر مجموعه ورزشی شهدای رهنان ۷

گفت‌وگو با استاد علی احمدی، تولیدکننده مبیل‌های قدیمی و سنتی در زاجان ۱۰

ناداشته‌های زاجان به روایت زاجانی‌ها ۱۳

گفت‌وگو با مادر شهید رسول انصاری رنانی و مادر و برادر شهید مصطفی باقرصاد ۱۱ و ۶

گزارشی از فعالیت‌های مؤسسه قرآنی شفق، مسجد الزهرا (س) و مسجد علی بن ابی طالب (ع) ۳ و ۴ و ۹

روایت مهدی غلامی، مدیر منطقه ۱۱، از آخرین اقدام‌های شهرداری در منطقه ۱۱ و محله زاجان و پاسخ او به مطالبات و پرسش‌های ساکنان ۱۳ و ۱۴ و ۱۵

معضل‌های زاجان به روایت ساکنان و اهم اقدام‌های انجام‌شده برای رفع آن‌ها ۱۶





صدای خنده‌شان آدم را سر ذوق می‌آورد. وقتی از آن‌ها می‌خواهم از قدیم‌ها برایم بگویند، همگی با هم از خوبی‌های قدیم می‌گویند و از اینکه قدیم‌ها همه چیز تروتازه بود و بعد با هم آهی سوزناک می‌کشند!

پدرها و نقشی که در خانه‌ها داشتند

خانم بختیاری که از دیگران قدیمی‌تر است. می‌گوید: «قدیم‌ها همه چی جای خودش را داشت. احترام به بزرگ‌ترها واجب بود. پدرها حکم رئیس‌جمهور را در خانه داشتند. همگی با پدر بزرگ و مادر بزرگ در یک خانه زندگی می‌کردیم. اگر اهالی خانه یک‌زمان با هم دعوا می‌کردند فقط کافی بود که پدرها صحبت کنند؛ حرف آن‌ها تمام‌کننده بحث بود.»

می‌خندد و ادامه می‌دهد: «البته بدی‌هایی هم داشت؛ مثلاً قدیم‌ها هیچ‌کس نمی‌توانست همسر خود را انتخاب کند. حرف بزرگ‌ترها حجت بود و جوان‌ها نقشی نداشتند. مجبور بودند به حرف بزرگ‌ترها عمل کنند.»

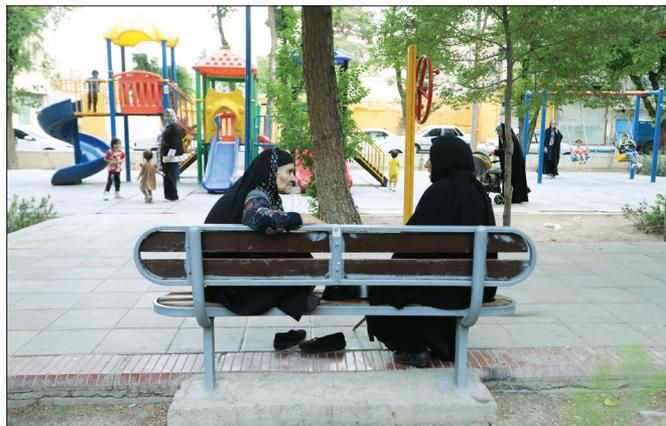
خانم شهبازی در ادامه صحبت دوستش می‌گوید: «البته عروسی‌های آن زمان خیلی خوب بود. جشن‌ها در خانه‌ها برگزار می‌شد. شام هم یک غذای ساده بدون تجمّل می‌پختند. کیک عروسی هم به شکل امروزی نبود و به جای آن کماج داشتیم.»

از رهنان آمده‌ایم گندم را در ازای چیره‌ای که حاج منطقه‌ای ما برای آن‌ها ارسال کرد آزاد کردند.»

عسگری به پارکی که در آن قرار داریم اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما بچه بودیم و از کنار همین قبرستان عبور می‌کردیم و به مدرسه می‌رفتیم. بعدها فردی به نام ستوان شریف آمد و اینجا را به هم زد و این پارک را ساخت.» از آقای تقیان درباره آداب و رسوم قدیم محله می‌پرسیم؛ می‌گوید: «رسم قشنگی که داشتیم مراسم "سلام بده" بود. رسم بود که خانواده عروس با آینه و شمعدانی که آن را رویه‌روی عروس می‌گرفتند وارد کوچه می‌شدند. از آن طرف هم خانواده داماد می‌آمدند در یک جایی که به هم می‌رسیدند همگی می‌گفتند که شما باید اول سلام بدهید. بعد داماد به سمت خانواده عروس می‌آمد و جشن می‌گرفتند و شادی می‌کردند.»

او بعد درباره لبنیات معروف رهنان توضیح می‌دهد: «اینجا به دلیل دامداری زیادی که داشت لبنیات معروفی هم داشت. یک ماست معروف داشت که از مخلوط شیر گاو و گوسفند به دست می‌آمد و آن قدر چرب و خوشمزه بود که زمانی که آن را برمی‌گردانیدیم، مثل یک آجر روی دست می‌ماند و اصلاً نمی‌ریخت. البته الان هم در بسیاری لبنیاتی‌های محله این ماست تولید می‌شود.»

آن طرف‌تر جمع خانم‌های محله جمع است.



هشت بهشت شفق

گفت‌وگو با سید مهدی اعتصامی، مدیر مؤسسه قرآنی شفق



زهره سادات طالقانی



اجرا می‌شود و برای سهیم کردن اقشار گوناگون در اجرای این پویا تلاش می‌کنیم تا افراد به خواندن قرآن، ولو در حد یک آیه ترغیب شوند. در سال اول، پویا حول این شعار شکل گرفت که «هر جایی می‌توان قرآن خواند» و محتوای رسانه‌ای نیز به‌گونه‌ای بود که اقشار گوناگون و سنین متفاوت را در بر می‌گرفت. اعتصامی افزود: امسال پویا «ستاره‌های زمین» یک گام فراتر گذاشت؛ با این مضمون که خانواده‌ها سر سفره هفت‌سین، سفره افطار یا سفره سحری، سوره قدر را تلاوت کنند. او به‌عنوان پویا اشاره کرد و گفت: «ستاره‌های زمین» عنوان جذابی برای مخاطب است و تلنگری در ذهن او به وجود می‌آورد که منظور از این عنوان چیست. این نام برگرفته از حدیث منسوب به پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود، برای آسمانیان چنان دیده می‌شود که ستارگان برای زمینیان دیده می‌شوند.»

برگزار می‌شود و گروه هم‌آوایی شفق نیز تشکیل شده است. این گروه در مناسبت‌های مذهبی، آثار موزیکال تولید می‌کند که در فضای مجازی منتشر می‌شود و فرصت خوبی برای جذب نوجوانان علاقه‌مند و تولید محتوای رسانه‌ای فراهم کرده است. او با بیان اینکه مؤسسه شفق ۵۰ عضو فعال دارد، اظهار کرد: ویژگی خاص و مثبت این مؤسسه، برگزاری دوره‌های بانشاط برای نوجوانان با محوریت قرآن است. تلاش شده در بخش‌های گوناگون، از فضا سازی گرفته تا برنامه‌ها و اردوها، روحیه شاد، نیاز به هیجان و مسئولیت‌پذیری در نوجوانان در نظر گرفته شود و همین موضوع باعث استقبال و حضور این گروه سنی در برنامه‌های فرهنگی و قرآنی مؤسسه بوده است. مسئول اجرای پویا «ستاره‌های زمین» در منطقه غرب اصفهان گفت: پویا «ستاره‌های زمین» با رویکرد ایجاد انگیزه در خانواده‌ها برای برگزاری جلسات خانگی قرآن



شو» و «بیوتاً آمین» برگزار کرده است. اعتصامی با بیان اینکه این مؤسسه به‌عنوان واحد قرآنی مرکز فرهنگی آینه است، افزود: این مجموعه دوره‌های تخصصی قرآن و کرسی‌های تلاوت با حضور قاریان برتر کشوری برگزار کرده و تاکنون، قاریان برتر برای تلاوت قرآن و برگزاری کارگاه در این مجموعه حضور پیدا کرده‌اند و استعدادیابی جوانان نیز از طریق همین اساتید انجام شده است. او اضافه کرد: هر سال باهدف ایجاد آمادگی و انگیزه برای قرائت قرآن در ماه مبارک رمضان، طرح‌هایی برگزار می‌کنیم؛ از جمله طرح «هشت بهشت» که با عنوان هشت محفل قرآنی در هشت مسجد، هشت هفته پیش از ماه مبارک رمضان برگزار شد. طرح «هفت سین عاشقی» و پویا «یک‌صدا، یک‌آیه» از برنامه‌های این مرکز است. مدیر اجرایی مؤسسه فرهنگی قرآنی شفق تأکید کرد: کلاس‌های آموزشی حفظ، صوت و لحن، قرائت و تفسیر به‌صورت منظم در مؤسسه

مؤسسه قرآنی شفق از سال ۱۳۹۷ در اصفهان فعالیت خود را آغاز کرد. این مرکز همواره در تلاش است تا بتواند در جهت ترویج فرهنگ قرآن کریم و کشف استعداد های جوانان قدم بردارد. در همین راستا طرح «سی‌وسه پل وصال» با محوریت جزء خوانی قرآن کریم را در سی روز ماه رمضان و سه روز اول ماه شوال در منازل قرآن دوستان برگزار می‌کند؛ همچنین در کنار این طرح، مسابقه قرآنی نیز برای ۲۳ خانواده در نظر گرفته شده است. سید مهدی اعتصامی، مدیر مؤسسه قرآنی شفق در گفت‌وگو با «هم‌محله» گفت: در اجرای این طرح از حافظان ممتاز استان دعوت به‌عمل آمده تا در منازلشان به اجرای جزء خوانی بپردازند و در خلال آن، مسابقه پیامکی برای نوجوانان آن خانه نیز طرح می‌شود. مؤسسه فرهنگی قرآنی شفق اصفهان در راستای احیای جلسات خانگی قرآن، تاکنون ۳۰۰ محفل خانگی قرآن در قالب طرح‌هایی همچون «ستاره



زهره سادات طالقانی

تجلی زندگی و ایمان در الزهرا(س)

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سید علیرضا میرلوحی، امام جماعت مسجد الزهرا(س)

هیچ کمکی دریافت نکرده‌ایم. این کتابخانه می‌تواند به یک مرکز فرهنگی مهم در محله تبدیل شود و تنها با حمایت مسئولان این امر ممکن خواهد بود.

این مسجد ثابت کرده است که می‌تواند جوانان را در مسیر درست هدایت کند؛ اما بدون حمایت، این تلاش‌ها ناتمام خواهند ماند. امام جماعت مسجد با تأکید بر اینکه نوجوانان ما، به‌ویژه در ایام امتحانات، به جایی آرام نیاز دارند تا هم درس بخوانند، هم کتاب‌های مفید را مرور کنند، اظهار کرد: تحقق این درخواست می‌تواند نقطه عطفی در فعالیت‌های فرهنگی مسجد باشد؛ چراکه سرمایه‌گذاری برای کتابخانه مسجد، سرمایه‌گذاری برای آینده جوانان و امنیت اجتماعی محله است.

دست‌های مهربان اهالی مسجد الزهرا(س)

مسجد الزهرا(س) تنها به آموزش و عبادت محدود نمی‌شود. هر ماه، ۳۰ خانواده که تحت پوشش مسجد قرار دارند، در پرداخت اجاره‌خانه تا کمک هزینه درمان، یاری و حمایت می‌شوند.

در آستانه ماه رمضان، این حمایت به ۳۱۳ خانواده می‌رسد. امسال یک میلیارد و نیم تومان صرف تهیه بسته‌های معیشتی و کمک به این خانواده‌ها شده است؛ همه با همت مردم و خیرانی که بی‌صدا، اما پایدار، کنار مسجد ایستاده‌اند.

نقش آفرینان مسجد از رزمندگان تا قهرمانان

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد مسجد الزهرا(س)، حضور چهره‌های تأثیرگذار است. در این مسجد، جانبازان و رزمندگان دفاع مقدس در نماز جماعت حضور دارند و خاطره‌های روزهای جنگ را برای نوجوانان روایت می‌کنند، خاطره‌هایی از همراهی با شهید خرازی و دیگر سرداران.

در کنار این روایت‌ها، جوانانی مثل محمدجواد سهرابی، مدال‌آور کشتی کشوری، نشان می‌دهند که مسجد الزهرا(س) فقط جای عبادت نیست؛ جای پرورش استعدادها و ساختن قهرمانان ملی هم است.

امام جماعت مسجد با افتخار از همکاری مردم و اهالی محل می‌گوید: رمز پویایی مسجد الزهرا(س)، همراهی بی‌چشمداشت و پررنگ مردم محله است. آن‌ها هستند که اینجا را از یک نمازخانه ساده به مجموعه‌ای تبدیل کرده‌اند که هر روز زندگی‌های زیادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مسجد الزهرا(س) زاجان امروز بیش از یک عبادتگاه است؛ مدرسه‌ای است برای زندگی؛ جایی که کودکان با شوق نماز می‌خوانند و بازی می‌کنند، نوجوانان برای فریاد درس می‌گیرند و دوست مسجدی پیدا می‌کنند و جوانان به قهرمانانی تبدیل می‌شوند که نه فقط در محله که در سطح کشور می‌درخشند.

این مسجد ثابت کرده است که با ایمان و همت، می‌توان نسلی ساخت که هم متعهد باشد و هم موفق.



و کم‌بضاعت در طبقه همکف مواجه بوده که نیاز به توجه و همراهی مسئولان دارد. امام جماعت مسجد اظهار کرد: کتابخانه مسجد الزهرا(س) در فضای ۱۰۰ متری قرار دارد و دارای ۵۰۰ جلد کتاب است که مربوط به ۱۵ سال پیش هستند و دیگر پاسخ‌گوی نیازهای امروزی نوجوانان و جوانان محله نیستند و نیاز است این کتاب‌ها با کتاب‌های به‌روز و مناسب تعویض و جایگزین شوند. میز و صندلی‌های این کتابخانه نیز فرسوده و غیراستاندارد شده‌اند.

او افزود: با وجود تلاش‌های مدیریت مسجد برای جذب کمک‌های نهادی، فرهنگی، تاکنون اقدامی عملی از سوی مسئولان صورت نگرفته است؛ این در حالی است که هر هفته ده‌ها دانش‌آموز و دانشجو برای مطالعه به این کتابخانه مراجعه می‌کنند.

فضای مطالعه به دلیل فقدان میز و صندلی مناسب، برای جوانان خسته‌کننده و غیرجذاب شده است.

امام جماعت مسجد الزهرا(س) در این باره گفت: ما بارها با نامه و پیگیری‌های مکرر به نهاد‌های مختلف مراجعه کرده‌ایم؛ اما متأسفانه تاکنون

آموزشی برگزار می‌شود؛ از درس‌های مدرسه و آموزش‌های مختلف تا آموزش ساخت تیزر و کلیپ، زیرزمین مسجد هم به هیاهوی نوجوانانی اختصاص دارد که یا مشغول ورزش‌های رزمی هستند یا در دنیای بازی‌های دیجیتال غرق شده‌اند.

هر چهارشنبه، بیش از ۴۰۰ جوان و نوجوان، دختر و پسر، در جلسه‌های معنوی حجت‌الاسلام داستان‌پور در این مسجد شرکت می‌کنند.

همچنین نوجوانان، در «طرح کارت نماز» در تابستان ثبت‌نام می‌کنند.

طرحی که هر سال حدود ۲۰۰ دانش‌آموز از کلاس اول دبستان تا نوجوانان را گرد هم می‌آورد تا هم نماز جماعت بخوانند و هم دوستی و زندگی را بیاموزند.

حال ناخوش کتابخانه را در یابید

مسجد الزهرا(س)، یکی از پایگاه‌های فعال فرهنگی در منطقه، با چالش جدی در بخش کتابخانه خود روبه‌روست. این مسجد که سال‌هاست میزبان صدها جوان و نوجوان در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی است، اکنون با کتابخانه‌ای فرسوده

مسجد الزهرا(س) محله زاجان مسجدی پویاست که با ایمان و همت، نسلی افتخارآفرین و متعهد می‌سازد.

در محله زاجان، جایی در خیابان شریف شرقی رهنان اصفهان، مسجدی قد برافراشته که بیش از دو دهه است نه فقط محل عبادت که کانون تربیت، آموزش و امید برای جوانان و نوجوانان است.

حجت‌الاسلام سید علیرضا میرلوحی، امام جماعت مسجد الزهرا(س)، در گفت‌وگو با «هم‌محله» اظهار کرد: این مسجد روزگاری بنایی ۲۰۰ متری بود که با همت مردم و خیران و خرید خانه‌های اطراف مسجد، به مجموعه‌ای ۷۰۰ متری در سه طبقه تبدیل شد؛ مسجدی که در هر طبقه‌اش، زندگی جریان دارد.

حجت‌الاسلام میرلوحی فعالیت‌های مسجد الزهرا(س) را این‌گونه بیان می‌کند:

از آموزش تا ورزش در مسجد الزهرا(س)

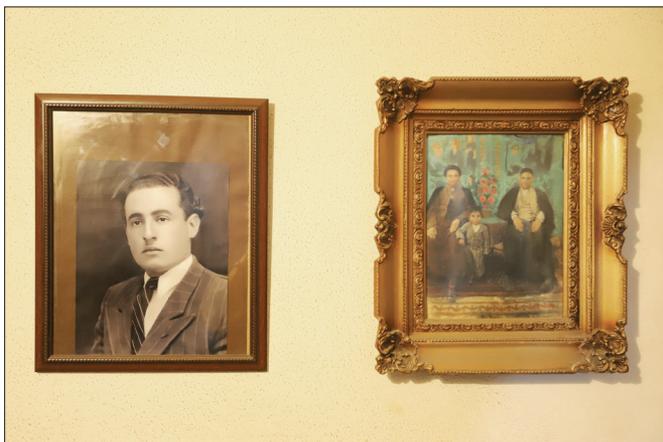
طبقه همکف مسجد، میزبان نمازگزاران برای نماز جماعت است؛ اما برخلاف بسیاری از مساجد، اینجا تنها به محل برگزاری نماز محدود نمی‌شود. در طبقه بالا، کلاس‌های



زینب دبیری

حمامی که قهوه خانه شد

داستان شنیدنی حمام قدیمی زاجان به روایت مهدی باقرصاد، یکی از مالکان



را ممنوع کرده بود. آن زمان پدر مرحومم با فروش یک زمین، حمام دارای خزینه را دوش دار کرد.

علت بسته شدن حمام

بعدها به خاطر اینکه در بسیاری از خانه‌ها حمام ساخته شد، استقبال از این حمام کم شد؛ بنابراین نگاهداری آن به صرفه نبود. این گونه شد که حدود پنج یا شش سال حمام تعطیل شد.

تبدیل حمام به کتابخانه

با گذشت سال‌ها از تعطیلی حمام، پدرم که اهل فرهنگ بود، تصمیم گرفت اینجا را به کتابخانه تبدیل کند. پس از مراجعه بسیار به علما و تحقیق که آیا می‌شود مکانی را که وقف حمام بوده، به کتابخانه تبدیل کرد، با یاری شهرداری و همت پدرم، کتابخانه با حدود ۱۴ هزار جلد کتاب از مقطع ابتدایی تا دکتری راه‌اندازی شد.

استقبال بی نظیر دخترها از کتابخانه

حدود دوهزار و ۵۰۰ نفر از اعضای اینجا دختر و تعدادی هم پسر بودند. در واقع هدف از تأسیس این کتابخانه نیز تأمین نیاز دختران به مکانی برای مطالعه بود که در این زمینه موفق بودیم.

علت تعطیلی کتابخانه

بعد از مدتی به ما اخطار دادند که این کتابخانه باید تعطیل شود؛ ما هم به اخطارها توجهی نکردیم. تا اینکه یک روز دم صبح با من تماس گرفتند و گفتند که در کتابخانه را باز کنید. عده‌ای آمدند و بسیاری از تجهیزات و کتاب‌ها را بار زدند و بردند؛ ما هم نفهمیدیم این‌ها از کجا بودند و از سرنوشت کتاب‌ها هم بی‌خبر ماندیم. این گونه شد که کتابخانه تعطیل شد.

از کتابخانه تا قهوه‌خانه

بعدها بعد از فوت پدر، وارثان تصمیم گرفتند اینجا تبدیل به قهوه‌خانه شود. حدود چهار سالی است که اینجا به این شکل فعالیت می‌کند. برای بازسازی هزینه زیادی شده است. تلاش کردیم با تغییر کاربری شاکله حمام را نگه داریم.

حمام قدیمی زاجان از آثار تاریخی محله زاجان است که توسط خانواده باقرصاد ساخته شده. آنچه می‌خوانید داستان این حمام از زمان تأسیس تا تبدیل شدن به کتابخانه و بعدها تأسیس قهوه‌خانه است. مهدی باقرصاد از نوادگان باقرصادهای معروف است. این حمام حدود ۱۲۰ سال پیش توسط پدر پدرشان حاج محمدحسین و عموی پدرشان حاج‌احمد ساخته و به حمام حاج‌علی معروف شده است.

چگونگی ساخت حمام زاجان

برای ساخت‌وساز اینجا، سنگ‌های زیادی را با اسب و شتر می‌آوردند و بر اساس وزن آن‌ها می‌فروختند. زمانی که جدم متوجه شد این افراد به خاطر به دست آوردن پول بیشتر بار بیشتری را به حیوان‌ها تحمیل می‌کنند، از انجام این کار جلوگیری کرد و این گونه شد که اینجا با پول حلال ساخته شد و شاید دلیل ماندگاری آن هم همین باشد.

تأمین سوخت حمام

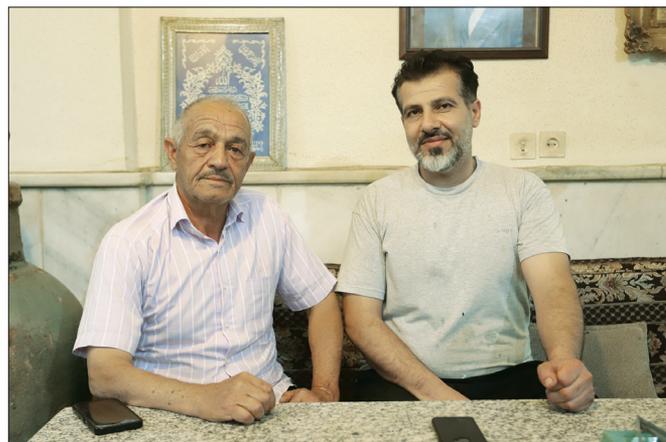
برای تأمین سوخت حمام مقدار زیادی خاشاک را داخل کانال‌هایی که زیر حمام بود، قرار می‌دادند و آتش می‌زدند. از گرمای حاصل از سوخت این خاشاک، آب حمام با پاتیل‌هایی که زیر آن قرار داشت، گرم می‌شد و بخار می‌کرد. آن قدر این گرما زیاد بود که کف پا را می‌سوزاند.

آب حمام و گاو می‌آورد

آب مصرفی حمام از چاهی که اینجا قرار داشت، تأمین می‌شد. آن زمان موتور برای کشیدن آب نبود؛ بنابراین برای پرکردن خزینه، یک گاو در سراسیمه چاه حرکت می‌کرد و دلو را پر آب کرده و بالا می‌آورد. این آب داخل منبع حمام ریخته می‌شد. بعدها به جای خاشاک از نفت سیاه استفاده کردند و موتورهای الکتروپمپ هم وظیفه بالا کشیدن آب را برعهده داشتند.

شکل و شمایل حمام

اینجا دو حمام وجود داشت: یک حمام کوچک برای خانم‌ها و حمام بزرگ برای آقایان بود. قبل از انقلاب اداره بهداشت استفاده از خزینه





مثیره فهامی

ناراحت نباش، می‌آیم

گفت‌وگو با مادر شهید، رسول انصاری رنانی



برادرش هاشم آن زمان در مناطق جنگی، تعمیر ماشین‌های سنگین را انجام می‌داد. رسول گفت: نه! دایم گفت هر کسی باید به جای خودش به جبهه برود.

در عملیات نصر ۴، سال ۶۶ وقتی ۱۸ سالش بود، شهید شد

رفت، دهم دی رفت؛ به عنوان پاسدار وظیفه. تا آخر خرداد سه باری آمد مرخصی. چهاردهم ماه رمضان بود که برای آخرین بار رفت و دیگر برگشت. چهارم تیر ۱۳۶۶ بود که در ماوت عراق بر اثر اصابت ترکش در عملیات نصر ۴ شهید شد. ۱۸ سالش بود. آخرین باری که رفت، گفت: من دارم می‌روم؛ ولی چشم به راه آمدنم نباشید.

راضی نیستم بعد از شهادتم برایم گریه کنید

ناهار می‌خوردم یا شام، درست یادم نیست. گفت: مادر من قابل این حرف‌ها نیستم؛ ولی اگر خدا خواست و اتفاقی برایم افتاد، راضی نیستم برایم فریاد بزی و گریه کنی. باید خواست به بچه‌ها باشد. آن زمان یکی از بچه‌هایم نزدیک دو سالش بود. گفت: اگر به بچه‌ها برسی، بهتر از این است که بخوای سر مزار من بیایی. چند بار دستش را بالا و پایین آورد و تکرار کرد: اگر خدا خواست... اگر خدا خواست... گفتیم: به لطف خدا مادر.

پیکرش دو هفته زیر آتش مانده بود

یک نوری در صورتش بود. (دوباره تکرار می‌کند و می‌گوید: یک نوری به صورتش داشت که من خودم همان موقع تعجب کردم. گفتیم: الله اکبر، افرادی که می‌روند جبهه از همین نور معلوم است کجا دارند می‌روند و عاقبتشان چه می‌شود. بعد از اینکه پیکرش را آوردند، تازه فهمیدیم پیکرش دو هفته در آب و آفتاب، زیر آتش مانده بود. (مکثی می‌کند و می‌گوید: بمیرم برای امام حسین(ع).

صحبت کردن از جگرگوشه‌ای که ۳۸ سال از شهادتش می‌گذرد، برایش سخت است. غم نبودنش هنوز بر قلبش سنگینی می‌کند. عشق مادر به فرزند تمام نشدنی است. او هم مادر شهید است و هم خواهر شهید. خودش را ربایه ملائی معرفی می‌کند و از پسر شهیدش، رسول انصاری رنانی، برایم می‌گوید:

وقتی به دنیا آمد، یک دست و یک پایش مشکل داشت

رسول، یکم فروردین سال ۴۸ در رهنان به دنیا آمد. هفت فرزند داشتیم و رسول دومی بود. پدرش اول کار کشاورزی می‌کرد و بعد بنایی. موقعی که به دنیا آمد، دست راست و پای چپش ورم داشت؛ این قدر که نمی‌توانست حرکتشان بدهد و حالت فلج داشت. خیلی دکتر، دارو، نذر و نیاز کردیم تا خدا را شکر بعد از چهار ماه خوب شد (خوب شد، تا روزی، آن‌ها را در راه اسلام فدا کند).

هم درس می‌خواند و هم کار می‌کرد

خیلی خوش اخلاق بود و با دیگران رفتار خیلی خوبی داشت. دوستانش همیشه از رفتار خوبش تعریف می‌کردند. او علاقه زیادی به اجتماعات و جلسه‌های مذهبی داشت. در نماز جمعه و جماعت همیشه شرکت می‌کرد. برای روحانی محل احترام زیادی قائل بود و روحانیون را ادامه دهندگان راه انبیا می‌دانست. هم درس می‌خواند و هم به کار مکانیکی و تعمیر خودرو مشغول بود.

هر کسی باید به جای خودش به جبهه برود

تا آخر مقطع راهنمایی را خواند. موقع جنگ برادرم از طرف ارتش رفت جبهه و شهید شد. سال ۶۵ که شد رسول گفت، ما هم باید این راه را برویم. همان سال در گردان امام رضا(ع) فعالیت می‌کرد. یک روز گفت: من هم دو ماه دیگر سربازم، باید بروم. پدرش گفت: صبر کن. الان برادرت جبهه است، برگردد؛ بعد تو برو.

دو دفعه، صدایش را شنیدم

چند روز بعد از رفتنش، مراسم هفته یکی از شهدای محل، شهید باباصفری بود. یکی از اقوامشان تازه از جبهه برگشته بود؛ او هم بعد شهید شد. صدایش زدم و گفتم: عبدالرحیم، کی آمدی؟ چه خبر از رسول؟ گفت: ما دو روز پیش، عصر از هم جدا شدیم. آن‌ها ۲۰ نفر بودند. داوطلب رفتند خط مقدم. دیگه امید به خدا. این را گفت و سریع به بهانه کارداشتن رفت. مانند تا باز هم از او سؤال کنم. آن شب خیلی کتاب خواندم، قرآن خواندم و دو تا دعای توسل. تا اینکه پدرش گفت: چرا لامپ را خاموش نمی‌کنی؟ چرا نمی‌خوابی؟ (اشکش جاری می‌شود و با صدای لرزان ادامه می‌دهد و می‌گوید: در همین حین یک لحظه صدای رسول را شنیدم که می‌گفت: نه، ناراحت نباش؛ من دارم می‌آیم. دو دفعه صدایش را شنیدم. بعد فهمیدم وقتی صدایش را شنیدم، لحظه‌ای بوده که توانسته بودند پیکرش را بیاورند عقب.

به من الهام شده بود که امروز می‌آید

صبح که شد، دیدم همسایه‌ها و اهالی خانه، با هم بیچ‌بیچ و صحبت می‌کنند. مرتب داخل خانه می‌آیند و دوباره می‌روند داخل کوچه. آن روز گذشت. فردا صبح دوباره کوچه شلوغ شد. از همسایه‌مان که تازه از جبهه برگشته بود، پرسیدم: آقای رحیم زاده شما کی آمدید؟ چه کسانی با شما برگشتند؟

گفت: شما بروید داخل خانه و نگران نباشید. به من الهام شده بود که رسول امروز می‌آید. بالاخره آمد. آن روز، میلاد امام رضا(ع) بود که آوردندش و تشییع شد. (دستانش را بالا می‌برد و می‌گوید: الحمدلله رب العالمین. چقدر من باید سپاسگزار خدا باشم؛ از اینکه چه نعمتی به من داد و چه امتحانی از من گرفت.

دفعه آخر، صدایش را روی نوار کاست ضبط کرد

دفعه آخری که می‌خواست به جبهه برود، چند دقیقه صدایش را روی نوار کاست پر کرده و آن را داده بود به برادرش محمدرضا و خواهر کوچکش. گفته بود اگر برگشت این را به ما بدهد. در آن نوار به همه سفارشی کرده بود؛ از رعایت حجاب و حیا تا خوب درس خواندن خواهر و برادرانش. پنج روز بعد شهید شد.

فرزندان خوبی تربیت کنید

در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: به شما توصیه می‌کنم فرزندان خوبی تربیت کنید. شما ای امت شهید پرور، نماز جمعه و نماز جماعت را فراموش نکنید. ای امت مسلمان که حامل خون شهدا هستید، ای کسانی که تمام هستی خود را فدای اسلام می‌کنید، شما را به تقوای الهی و انجام واجبات و ترک محرمات وصیت می‌کنم. حق الناس را بپردازید.





لیلا کهلانی

ورزشگاهی مناسب برای زاجانی‌ها

گفت‌وگو با بهروز تاجمیریاحی، مدیر مجموعه ورزشی شهدای رهنان



کاراته، دفاع شخصی، یوگا، پیلاتس و فیتنس. رشته‌های ورزشی مخصوص کودکان نیز شامل ژیمناستیک و بازی و ورزش است. رشته‌های ورزشی آقایان هم به فوتبال، کونگ‌فو و آمادگی جسمانی اختصاص دارد؛ درضمن سانس‌های استیجاری (محل و آزاد) از ساعت ۱۹:۳۰ الی ۲۴ در ایام هفته و روزهای جمعه و تعطیلات رسمی تمام وقت در خدمت عموم شهروندان است.

مجموعه ورزشی شهدای رهنان در ۱۳۷۵ فعالیت ورزشی خود را آغاز کرد و به آموزش در رشته‌های مختلف ورزشی زیر نظر مربیان مجرب پرداخت. برای آشنایی بیشتر شما با این ورزشگاه گفت‌وگویی با بهروز تاجمیریاحی، مدیر آن داشتیم.

در مجموعه ورزشی شهدای رهنان چه برنامه‌ها و فعالیت‌هایی انجام می‌شود؟

قبل از پاسخ لازم است ذکر کنیم؛ با ورزش کردن بدنی سالم، روحیه‌ای شاد و زندگی بهتری خواهیم داشت. درحقیقت اگر امروز برای ورزش وقت نگذاریم، در آینده باید برای درمان بیماری‌ها وقت بگذاریم! با این اوصاف، شهرداری اصفهان و به‌خصوص سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان، مجموعه‌های تخصصی ورزش در شهر زیبای اصفهان با شهریه مناسب در اختیار شهروندان عزیز قرار داده است. یکی از مجموعه‌های تخصصی فعال، ورزشگاه شهدای رهنان است که به آموزش در رشته‌های مختلف ورزشی پرداخته است؛ درواقع با ارائه سانس‌های استیجاری، برگزاری برنامه‌های ملی مذهبی و مسابقات در رشته‌های مختلف کشوری و استانی و برگزاری برنامه‌های مشارکتی و محله‌محور در خدمت شهروندان عزیز است.

این مجموعه ورزشی با چه اهداف و رویکردهایی دنبال می‌شود؟

ایجاد روحیه نشاط و شادابی و سلامت ورزش آموزان، افزایش اعتماد به نفس و امید به زندگی در ورزش آموزان، تقویت سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی ورزش آموزان، شناسایی استعدادها و ورزشی و هدایت آن‌ها در مسیر پیشرفت، ایجاد راهکارهایی برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها و خدمات بهتر، ایجاد محیطی مناسب برای اوقات فراغت، تفریح‌های سالم و سرگرمی‌های سودمند ورزشی، بسترسازی مناسب برای استفاده جانبازان و معلولان.

ممکن است به باز خورد فعالیت‌های اینجا اشاره کنید؟

بحمدالله و با کمک و همکاری کارکنان و مربیان مجموعه ورزشی شهدای رهنان توانسته‌ایم رضایت ارباب رجوع و ورزش آموز را از نظر امنیت، نظافت و بهداشت، تهیه لوازم و اقلام ورزشی و به‌طور کلی محیطی درخور شهروندان عزیز ارائه دهیم.

افتخارهایی هم کسب کرده‌اید؟

بله؛ کسب مقام‌های ورزشی آسیایی، استانی

از بیماری‌ها و مشکلات جسمی و روانی و...

اگر نکته‌ای باقی مانده است، بفرمایید.

از همکاران و مسئولان شهرداری اصفهان، سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان، معاونت ورزشی تفریحی و شهرداری منطقه ۱۱ که از همه لحاظ به بنده و مجموعه ورزشی شهدای رهنان کمک کرده‌اند و همکاری داشته‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. گفتنی است؛ علاقه‌مندان برای شرکت در کلاس‌های این ورزشگاه می‌توانند به اصفهان، خیابان کهنده، خیابان شهید تقی‌یار، جنب بوستان مدافع حرم مراجعه کنند و برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۷۳۵۰۲۵۸ تماس بگیرند.

و شهرستانی داشتیم که در رشته‌های کاراته و کونگ‌فو بوده و راهیابی دو نفر از ورزش آموزان در رشته کونگ‌فو با اردوی تیم ملی از دیگر افتخارهای این ورزشگاه بوده است؛ علاوه بر این، حضور مستمر بانوان را در مسابقات مختلف استانی و ایلیال داشتیم.

آیا برنامه‌های جنبی هم داشته‌اید؟

ویژه برنامه‌های مناسبتی ملی مذهبی مانند مسابقات دهه فجر، کشف استعدادها و ورزشی و راهنمایی و معرفی برای رسیدن به مراحل بالاتر، استفاده مدارس اطراف ورزشگاه برای زنگ ورزش، مسابقات و مناسبت‌های مختلف، کلاس‌های آموزشی و جلسه‌های پرسش و پاسخ از استادان دانشگاهی و کارشناسان برای پیشگیری

به امکانات و تجهیزات اینجا اشاره می‌کنید؟

این مجموعه دارای یک سالن توپلی، یک سالن رزمی و پارکینگ مجزا و لاوی است که از ساعت شش صبح در اختیار اعضا قرار می‌گیرد؛ اما این سالن‌ها شامل رشته‌های مختلف ورزشی بانوان است، رشته‌هایی نظیر ورزش صبحگاهی، والیبال، بسکتبال، آمادگی جسمانی، ایروبیک،

هنر قلم‌زنی عشق می‌خواهد

گفت‌وگو با مهرداد زارع‌زاده، هنرمند زاجانی در رشته قلم‌زنی برجسته و نیمه برجسته



مهرداد زارع‌زاده

گفت: هنوز طی سالیان دور تاکنون، خیابان‌های این محله دست نخورده باقی مانده است و برای عبور و مرور در شب واقعا با مشکل مواجه هستیم.

امکانات در محله زاجان متناسب با جمعیت نیست

او از تبدیل شدن فرهنگ‌سرای محله زاجان به قهوه‌خانه به شدت اظهار ناراحتی کرد و افزود: تنها مکانی که محله زاجان برای گذراندن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان داشت، یک فرهنگ‌سرا بود که آن هم فروخته و به مکانی برای افراد بیکار و نامناسب تبدیل شد. این هنرمند قلم‌زنی با تأکید بر اینکه با توجه به جمعیت و ظرفیت موجود در زاجان از امکانات بسیار کمی برخورداریم، ادامه داد: در هر منطقه از شهر اصفهان حداقل از ۳۰ سال پیش تاکنون تغییرات مثبتی برای پیشرفت اهالی صورت گرفته، اما گویا محله زاجان توسط مسئولان فراموش شده است.

حکاکی و تزیین روی فلزات، به‌ویژه مس، برنج و نقره بوده که به‌عنوان یکی از هنرهای دستی اصیل ایران، در طول تاریخ در تولید آثار هنری و تزیینی نقش بسزایی داشته است؛ اما متأسفانه این هنری که در دست ما ایرانیان و باعث افتخار هنری ما اصفهانی‌هاست، به دوران افول خود نزدیک می‌شود.

خیابان‌های کم‌عرض و تاریک زاجان

این هنرمند جوان اصفهانی در خصوص زادگاهش محله زاجان اظهار کرد: منطقه زاجان برخلاف دیگر محله‌های شهر اصفهان، طی سال‌های گذشته تاکنون تغییر چندانی نداشته است و همچنان جزو مناطق محروم به‌شمار می‌رود؛ به‌طوری‌که نوجوانان این منطقه برای دوره دبیرستان و به‌خصوص هنرستان دچار مشکل هستند و باید برای ادامه تحصیل به محله‌های مجاور بروند. زارع‌زاده درباره تاریکی و کم‌عرض بودن خیابان‌ها و کوچه‌های محله

صنف در کشور وجود دارد، اذعان کرد: با توجه به آسیب‌های جسمی که اغلب شاغلان در این حرفه با آن دست به‌گریبان هستند و درآمد بسیار ناچیزی که دارد، کمتر کسی حاضر می‌شود در این حرفه ادامه بدهد؛ زیرا درحقیقت، درآمد حاصل از این کار آن قدر اندک است که به زحمت می‌توان با آن امرامعاش کرد.

صادرات محصولات قلم‌زنی تقریباً به صفر رسیده است

او در خصوص آمار علاقه‌مندان به حرفه قلم‌زنی در کشور ادامه داد: این روزها جوانان کوچک‌ترین علاقه‌ای به هنری که هیچ درآمدی ندارد، نشان نمی‌دهند؛ مگر اندک افراد انگشت‌شماری که به علت اینکه پدرانشان در این حرفه هستند، علاقه نشان بدهند و مبادرت به آموختن هنر قلم‌زنی کنند. زارع‌زاده با تأکید بر اینکه امروزه صادرات محصولات قلم‌زنی به خارج از کشور تقریباً صورت نمی‌گیرد، عنوان کرد: هنر قلم‌زنی به نوعی

مهرداد زارع‌زاده، هنرمند اصفهانی در رشته قلم‌زنی برجسته و نیمه‌برجسته است که در ۱۳۷۰ در محله زاجان اصفهان به دنیا آمد. او که دارای مدرک کارشناسی در رشته مهندسی مکانیک است، از روی علاقه به آموختن شغل اصیل و سنتی قلم‌زنی روی آورده و دارای مدرک فنی و حرفه‌ای در این زمینه است و هم‌اکنون در کنار برادر خود در همین حرفه فعالیت می‌کند.

هنر قلم‌زنی، عشق می‌خواهد

زارع‌زاده با بیان اینکه شغل اغلب اهالی زاجان، از گذشته تاکنون دامداری و کشاورزی بوده است، گفت: در سال‌های اخیر خشک‌سالی باعث شده است کشاورزان این منطقه نتوانند تولیدات زیادی داشته باشند؛ اما کامکان بیشتر پدران مادر همین حرفه مشغول هستند. این هنرمند قلم‌زنی با اشاره به اینکه امروزه هرکس در حرفه قلم‌زنی مشغول به کار است، از روی عشق در این حرفه باقی مانده و مفضل‌های بسیاری برای اهالی این



اکرم گیانی

تلاش برای استیفای حقوق مردم

گفت‌وگو با سید حسین محبوبی، حقوق‌دان زاجانی



در میان نخبگان محله زاجان سراغ یک حقوق‌دان رفتیم. سید حسین محبوبی متولد ۱۳۵۶ دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی و در حال حاضر سردفتر اسناد رسمی و کارشناس رسمی دادگستری اصفهان است.

او تحصیلات کارشناسی حقوق را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان گذراند؛ سپس دوره کارشناسی ارشد رشته جزا و جرم‌شناسی را در دانشگاه آزاد اسلامی نراق طی کرد و علاوه بر انجام فعالیت‌های حقوقی در دادگستری و اسناد رسمی از ۱۳۷۶ تا کنون در پایگاه بسیج محله زاجان به‌طور دائم مشغول فعالیت و ارائه مشاوره حقوقی به ارباب‌رجوع‌های محله است.

او درباره فعالیت‌هایش به‌عنوان یک حقوق‌دان برای خدمت به افراد جامعه به «هم‌محله» می‌گوید: «از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ وکیل پایه‌یک دادگستری اصفهان بودم و از ۱۳۸۲ تا کنون هم به‌عنوان سردفتر اسناد رسمی و کارشناس رسمی دادگستری اصفهان درحال ارائه خدمت به مراجعه‌کننده‌ها هستم. در طول این سال‌ها و در روند فعالیت‌هایم، مقاله‌ای هم درباره جرایم ارتكابی در دفاتر اسناد رسمی و راهکارهای پیشگیری از آن تألیف کردم.»

تربیت دانشجویان باسواد رشته حقوق با تدریس استادان کارآمد

حقوق‌دان جزا و جرم‌شناسی در خصوص دغدغه‌ها و مسائلی که برای تحصیل رشته حقوق برای او وجود داشت، تصریح می‌کند: «تا قبل از ۱۳۷۶ رشته حقوق روزانه در دانشگاه اصفهان برای تحصیل دانشجویان وجود نداشت. از ۱۳۷۶ به بعد دانشگاه دولتی اصفهان پذیرش دانشجویان در رشته حقوق را فراهم کرد. آن زمان در چهار استان اصفهان، چهارمحال و بختیاری،

یزد و مرکزی و دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان، امکان تحصیل دانشجویان در رشته حقوق مهیا شد. از جمله دغدغه‌ها و مسائلی که امروز وکلای باتجربه با آن روبه‌رو هستند، این است که در شرایط فعلی به شکل وحشتناکی، جذب بی‌رویه دانشجوی رشته حقوق در دانشگاه‌های مختلف در سراسر کشور انجام می‌شود.»

او ادامه می‌دهد: «با فارغ‌التحصیل شدن دانشجویان رشته حقوق از دانشگاه‌های متفاوت که دانش و سواد کافی هم در این زمینه ندارند، این روند موجب شده است به‌شدت کیفیت آموزشی این رشته کاهش پیدا کند. به‌وضوح می‌بینیم که بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته حقوق اطلاعی از قوانین مدنی، ماده‌های حقوقی و قانون جزا ندارند؛ تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان حقوق هم بیکار هستند یا اشتغال مناسب و مربوط با این رشته را ندارند.»

لزوم داشتن وجدان و تعهد کاری برای حقوق‌دان

او عنوان می‌کند: «درواقع با تدریس استادان باسواد، دانشجویان بسیار باسواد در رشته حقوق از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدند و بسیاری از فارغ‌التحصیلان بین سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ سمت بازپرس، قاضی عالی‌رتبه، وکیل‌های باسواد و خبره و سردفتر اسناد رسمی را برعهده دارند و درحال ارائه خدمات رسانی به افراد جامعه هستند. به وضوح دیده می‌شود که همه دانشجویان آن دوره که فارغ‌التحصیل شدند، مشغول فعالیت در اجتماع هستند و فرد بیکار در بین آن‌ها دیده نمی‌شود.»

حقوق‌دان جزا و جرم‌شناسی عنوان می‌کند: «جای تأسف دارد که امروز بسیاری از

فارغ‌التحصیلان رشته حقوق در جامعه بیکار هستند. دانشجویان رشته حقوق در گذشته با سطح سواد بالا از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شدند که در این رشته اطلاعات کافی و سواد بالایی داشتند و بعد از فارغ‌التحصیلی هم سعی می‌کردند در تردد مداوم به دادگستری و در تعامل با مردم و پرونده‌های قضایی، سالیان متوالی کسب تجربه کنند تا بتوانند به‌عنوان وکیل باتجربه و کارآمد به موکل‌های خود ارائه خدمت کنند.»

او درباره ویژگی‌های یک حقوق‌دان خوب که بتواند به مراجعه‌کننده‌ها بهترین کمک را ارائه دهد، می‌گوید: «یک حقوق‌دان خوب باید در ابتدای کار خداوند را ناظر بر اعمال خود بداند و وجدان کاری داشته باشد؛ در این صورت می‌تواند به بهترین نحو به مراجعه‌کننده‌ها ارائه خدمت داشته باشد؛ اما اگر یک حقوق‌دان وجدان کاری نداشته باشد، می‌تواند ادعاهای زیادی را برای مراجعه‌کننده داشته باشد؛ اما درعمل نمی‌تواند کار مفیدی به او ارائه دهد.»

نحوه ارائه راهکار به مراجعه‌کننده‌ها برای کمک بهینه

او درباره مشکلات و دغدغه‌های دیگر حقوق‌دان‌های امروز در جامعه عنوان می‌کند: «مشکل دیگری که امروزه به‌وضوح می‌بینیم، بحث قانون تسریع در صدور مجوزهای کسب‌وکار است که در مجلس هم این مورد تصویب شد. حقیقت آن، مشقت‌هایی است که در گذشته حقوق‌دان‌ها برای گرفتن پروانه وکالت داشتند و تنها افراد باسواد و کارآمد این رشته موفق به گرفتن پروانه وکالت می‌شدند.»

حقوق‌دان جزا و جرم‌شناسی در

خصوص نحوه ارائه راهکار و مشاوره به مراجعه‌کننده‌ها به‌منظور کمک بهینه به آن‌ها اظهار می‌کند: «هر زمان که پرونده موکل را برعهده می‌گیرم، در ابتدای کار خداوند را ناظر بر اعمال خود می‌دانم و سعی می‌کنم تا انتهای کار و به‌نتیجه‌رساندن پرونده موکل وجدان و تعهد کاری را مدنظر داشته باشم. از همان ابتدا که کاری به بنده پیشنهاد می‌شود، تلاش می‌کنم درباره آن با قوانین جامعه تحقیق کنم و با ارائه دلایل واضح و روشن برای موکل توضیح دهم که انجام این کار با قوانین جامعه تطبیق دارد و به نتیجه می‌رسد یا تطبیق ندارد و نتیجه‌بخش نخواهد بود.»

محبوبی در خصوص روند به‌نتیجه‌رسیدن پرونده‌های قضایی جزا و جرم‌شناسی عنوان می‌کند: «تعدادی از پرونده‌های قضایی به انجام کارهای جزئی نیاز دارند؛ مانند چک برگشتی؛ اما مواقعی هم تعدادی از پرونده‌های جزایی و حقوق کیفری را به‌عهده می‌گیرم که آمار شاکیان آن زیاد بوده و به‌نتیجه‌رسیدن پرونده شش ماه تا یک سال زمان می‌برد؛ برای مثال، پرونده‌هایی هم بوده که خواهان اولیه فوت شده و فرزندان خواهان اولیه هم فوت شدند و در شرایط فعلی نوه‌ها و نتیجه‌های آن‌ها به دادگستری رفت‌وآمد دارند تا بتوانند رأی مثبت از دادگاه برای پرونده قضایی بگیرند. روند کاری آن پرونده‌ها هیچ موقع بنده را خسته نمی‌کند. آن‌قدر ادامه می‌دهم تا بتوانم پرونده قضایی را به نتیجه برسانم. به‌عنوان یک حقوق‌دان تاکنون با تمام تلاشم و با درنظرگرفتن وجدان و تعهد کاری به‌دنبال این بودم که کار بهینه را به ارباب‌رجوع ارائه دهم و از انجام کارم احساس رضایت و خرسندی دارم.»



مریم نقیان

مسجدی جذاب برای زاجانی‌ها

گفت‌وگو با حجت الاسلام سید علی میررضی، امام جماعت مسجد علی بن ابیطالب (ع)



کانون کلاس‌ها و کارگاه‌های مختلف آموزشی و روان‌شناسی نیز برای اهالی محله برگزار می‌کند.

امام‌جماعت مسجد علی بن ابیطالب (ع) سپس به مشکلات موجود و استقبال مردم از مسجد اشاره می‌کند: «مردم زمانی که مشکلات اقتصادی داشته باشند، استقبال کمتری از مسائل مذهبی دارند. اگر مشکلات اقتصادی حل شود، استقبال مردم از مسجد بیشتر خواهد شد. مسجد نیازمند سیستم صوتی است. از شهرداری در ۱۴۰۳ درخواست مساعدت کردیم؛ اما هنوز اتفاقی حاصل نشده است. طبقه بالای مسجد را نیز برای خدمات عمومی آماده می‌کنند؛ اما به دلیل بودجه‌ای که برای امکانات گرمایشی و سرمایشی نیاز دارند، هنوز تکمیل نشده است و نیازمند کمک‌های مالی ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف هستیم.»

می‌کنند. جلسه قرآن بقیه‌الله (عج) حدود ۱۵ سال است هر هفته در روزهای جمعه برگزار می‌شود. بانوان محله زاجان هم بعد از ظهرهای یکشنبه و دوشنبه برنامه‌های مختلف ختم صلوات، برگزاری مجلس دعا و... را دارند. پایگاه بسیج خواهران شهید باهنر حدود شش سال و پایگاه بسیج برداران باهنر بیش از ۱۵ سال است تشکیل شده. این دو پایگاه فعالیت‌های مختلفی از جمله برگزاری جلسه‌های معرفتی، برگزاری برنامه‌های ورزشی و تفریحی و... دارند. هیئت شبیه‌خوانان در مناسبت‌های مختلف در مسجد برنامه برگزار می‌کنند. مردم از نقاط مختلف شهر اصفهان به مسجد علی بن ابیطالب (ع) می‌آیند و از برنامه شبیه‌خوانان استقبال بسیار خوبی می‌شود. کانون خادم‌یاران رضوی مسجد در مناسبت‌های گوناگون به ایتم و نیازمندان محله در مقاطع مختلف سال کمک‌های مختلفی می‌کنند. این

فعالیت‌های این مسجد با حجت الاسلام سید علی میررضی، امام‌جماعت مسجد علی بن ابیطالب (ع) گفت‌وگو کردیم.

مسجدی با کاربردهای متنوع

حجت الاسلام میررضی پس از سلام و احوالپرسی، فعالیت‌های مسجد را تشریح می‌کند: «پس از عزیمت از قم به تهران از ۱۴۰۱ وارد مسجد علی بن ابیطالب (ع) شدم. این مسجد؛ کانون بسیج برداران و خواهران، کانون خادم‌یاران رضوی، هیئت عاشقان اهل بیت (ع)، جلسه قرآن بقیه‌الله (عج) نوجوانان و جوانان و... دارد. حدود ۴۰ سال است که پیروغلامان محله جلسه عاشقان ابا عبدالله (ع) را هر هفته روز چهارشنبه برگزار می‌کنند. در این جلسه، یک نفر مداحی نمی‌کند و همه افراد شرکت‌کننده در جلسه که توانایی مداحی داشته باشند، حدود چند دقیقه مداحی

در گذشته مساجد نقش تعیین‌کننده‌ای در الگوی کلی و هویت مشترک شهرهای اسلامی داشتند. در این میان، مساجد محله‌ای به عنوان فضایی عمومی با رویکردهای متعدد کالبدی همواره نقشی کلیدی در شکل‌گیری مراکز محلی در شهرهای اسلامی دارا بوده‌اند و همراه با افزایش جمعیت شهرها و تغییرات ویژگی‌های اجتماعی آنان در طول تاریخ تعدادشان افزایش می‌یافت. در طول تاریخ شکل‌گیری شهرهای اسلامی، مساجد همواره به عنوان فضاهای عمومی مهم و مردمی دارای عملکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی بوده‌اند و در زندگی مردم نقش محوری داشته‌اند؛ امروزه هم مساجد در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند که نمونه‌ای از آن، مسجد علی بن ابیطالب (ع) محله زاجان در منطقه ۱۴ اصفهان است. برای بررسی

جریان قرآن در زندگی یک معلم

گفت‌وگو با حمید مولایی، معلم کامپیوتری که قرآن در زندگی و کارش جریان دارد



زهره سادات طالقانی

می‌کند: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» و «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». سپس تأکید می‌کند که آیه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» یکی از آیاتی است که بسیاری از مردم در زندگی روزمره از آن غافل هستند.

ملایی معتقد است که جوانان باید بیشتر با تلاوت‌های زیبا آشنا شوند؛ سپس خودشان قرآن را با توجه به معانی آن بخوانند. او ایده ایجاد یک رسانه مجازی جامع قرآنی را مطرح می‌کند که بتواند در تمامی زمینه‌های مرتبط با قرآن فعالیت کند و در شبکه‌های اجتماعی گسترش یابد. ملایی عادت دارد هر روز قرآن بخواند و حداقل هفته‌ای یک بار تلاوت مجلسی داشته باشد. برای او قرآن فقط یک کتاب مقدس نیست؛ بلکه راهنمای زندگی است. وقتی از او می‌پرسم چه حرفی برای جوانان دارد، پاسخش کوتاه و گویاست: قرآن را بادل بخوانید؛ آن وقت می‌بینید که چطور زندگی‌تان متحول می‌شود.

حمید مولایی، معلمی است که نه تنها در کلاس‌های کامپیوتر، بلکه در زندگی نیز درس‌های بزرگی برای همه ما دارد.



هم در قرائت، افتخارهای زیادی کسب کرده است؛ از رتبه اول اذان در دوران سربازی در ۱۳۹۸ گرفته تا مقام سوم قرائت قرآن کشوری بنیاد شهید در ۱۳۹۷. اما برای او این مقام‌ها فقط مدال و تقدیرنامه نیستند؛ بلکه هر کدام داستان پشتکار و عشقی است که سال‌ها در وجودش رشد کرده و به تجلی رسیده است. وقتی از او درباره تأثیر قرآن بر زندگی‌اش سؤال می‌کنم، دو آیه را با شور خاصی قرائت

سخت‌ترین تمرین‌های تلاوت را پشت سر گذاشته و دوستان خوب و قرآنی بیشتری پیدا کرده است: «وقتی عاشق کاری باشی، حتی خستگی‌ها هم شیرین می‌شود.» سپس با خنده تعریف می‌کند که چگونه برخی دانش‌آموزان در خواندن قرآن، کلمه «فراشا» را «فشارا» تلفظ می‌کنند!

مقام‌هایی که فقط یک عدد نیستند

ملایی در مسابقات قرآنی، هم در حوزه اذان و

در یکی از روزهای بهاری، به هنرستان بصیرت رفتم تا با معلمی گفت‌وگو کنم که هم‌زمان با تدریس کامپیوتر به نوجوانان، عشق به قرآن را در قلب‌هایشان می‌کارد. حمید ملایی، متولد ۱۳۷۴ از آن چهره‌های چندبعدی است که هم در مسابقات قرآنی درخشیده و هم در کلاس‌های درس، دانش‌آموزان را به آینده‌ای روشن هدایت می‌کند. این نسخه قرآنی در گفت‌وگو با «هم‌محله» از خودش برایمان گفت.

خانواده؛ نخستین مدرسه قرآن

ملایی در خانواده‌ای بزرگ شده است که بوی قرآن در هر گوشه‌اش به مشام می‌رسد. پدرش معلم قرآن بود و مادرش حافظ قرآن. خودش از ۹ سالگی پای ثابت جلسه‌های قرآن در مجموعه فرهنگی نور قرآن بوده و تلاوت را با تقلید از استاد عبدالباسط آغاز کرده است. او با لبخند می‌گوید: «صدای نوارهای قدیمی تلاوت استاد عبدالباسط، اولین جرقه عشق به قرآن در دل من بود.» وقتی از او درباره خاطراتش می‌پرسیم، چشمانش برق می‌زند. از روزهایی می‌گوید که در مؤسسه فرهنگی ثامن‌الائمه،



اکرم کیانی

حکایت نیم قرن تجربه

گفت‌وگو با استاد علی احمدی، تولیدکننده مبلی‌های قدیمی و سنتی در زاجان

منصرف شده و این کار را رها می‌کنند.» او عنوان می‌کند: «امروز لازم است از کارهای هنرمندان در هر حرفه‌ای مانند قلم‌زنی، میل‌سازی، هنرهای دستی، مینیاتور، فرش و نقاشی حمایت شده و به نوعی کارهای هنرمندان دیده شود. جای تأسف دارد که امروز قدرت خرید برای کارهای هنرمندان بسیار کاهش پیدا کرده است. به نظر من باید با حمایت از تولیدات و اثرهای هنری هنرمندان، شرایطی فراهم شود که آن‌ها بتوانند از انجام کارهای سنتی و هنر خودشان لذت ببرند؛ اما تا زمانی که این حمایت وجود نداشته باشد، این شرایط فراهم نمی‌شود. در هر حرفه‌ای دشواری و سختی‌هایی برای انجام کار وجود دارد و اگر این مشکلات حل نشود، به وضوح می‌بینیم که آن حرفه، شغلی مرده به حساب می‌آید.»

شوق زیاد، عامل ماندگاری‌ام در این حرفه است

احمدی اظهار می‌کند: «بنده در کارگاهم در طول این سال‌ها شاگردانی هم داشته‌ام که این حرفه را از من یاد گرفته‌اند و بعد از چند سال شاگردی و کارکردن مداوم، توانسته‌اند برای خودشان به شکل مجزا در حرفه صنعت میل فعالیت کنند. در حال حاضر جوانانی که علاقه‌مند به یادگیری این پیشه هستند، بیشتر به آموختن صنعت «ام‌دی‌اف» روی می‌آورند؛ به دلیل اینکه خطر کمتری دارد و سبک‌های پیشرفته‌تری هم دارد؛ اما سبک کاری بنده نیاز به شناخت بیشتر دارد.» او تأکید می‌کند: «بنده در کارگاهم با همان دستگاه ۶۰ سال قبل در حال انجام کار و تولید محصولات میل هستم و از طرفی، این دستگاه ایمنی بالایی ندارد و به شاگردانم هم توصیه می‌کنم هنگام کار حواسشان به ایمنی دستگاه باشد؛ به دلیل اینکه کار خطرناکی است.»

تولیدکننده مبلی‌های قدیمی و خاص در خصوص وقت‌گذاشتن در کارگاه برای ساخت مبلی‌های ویژه و با قدمت زیاد عنوان می‌کند: «برای ساخت مبلی‌ها و طرح‌های قدیمی معمولاً وقت‌گذاری در کارگاهم متفاوت است و برای تعدادی از کارها سه الی چهار ماه وقت می‌گذارم و روی طرح کار می‌کنم تا بتوانم به نحو مطلوب طرح مورد نظر را بسازم. کارکردن مداوم در کارگاه روی ساخت و بازسازی طرح‌های قدیمی، هیچ زمانی بنده را خسته نمی‌کند و از انجام حرفه‌ام بسیار لذت می‌برم و عامل ماندگاری بنده در این حرفه، شوق زیادم به انجام کار بوده است. در این سال‌ها این حرفه را به فرزندانم هم یاد داده‌ام و در کارگاهم نیز به شاگردانی که برای یادگیری مراجعه می‌کنند پیوسته این جمله را گوشزد می‌کنم که اگر به این کار علاقه و ذوقی ندارند، اصلاً وقتشان را تلف نکنند و به دنبال یادگیری حرفه و شغل دیگری بروند.»



حرفه موسیقی که سبک به‌یادگارمانده از استاد کسایی و استاد بنان است و حرفه‌های منبت و معرق که هرکدام برای خودشان یک سبک خاص داشته‌اند یا حرفه ضریح‌سازی که در آن هنرمندان چند رشته را با همدیگر تلفیق می‌کنند و به ساخت ضریح می‌پردازند. هر کدام از هنرمندان در هر حرفه‌ای برای خودشان یک نوع سبک مخصوص دارند و در حرفه میل‌سازی هم تنوع کار بسیار زیاد است.»

سختی‌های یادگیری حرفه میل‌سازی به سبک خاص

تولیدکننده مبلی‌های قدیمی و خاص درباره سختی‌های یادگیری حرفه میل‌سازی به سبک خاص خاطرنشان می‌کند: «ماندگاری در این حرفه وابسته به ذوق، خلاقیت و علاقه فرد است و اگر باتکیه بر این موارد فرد در این حرفه تلاش کند، می‌تواند این صنعت را با وجود همه مشکلات و سختی‌هایش ادامه دهد و از انجام این حرفه لذت ببرد. کارهایی را در این سال‌ها باعلاقه انجام دادم که ماندگار شدند و همین اتفاق برایم کافی است و از انجام حرفه‌ام خرسند هستم؛ اما عده‌ای از افراد برای کسب درآمد زیاد وارد این کار می‌شوند و بعد از مدتی می‌بینند انجام کار با دشواری‌های زیاد و درآمد کم همراه است؛ بنابراین از ادامه این کار

که میراث فرهنگی از من می‌خواهد آن‌ها را بازسازی کنم و این موارد خاص را هم انجام می‌دهم. معمولاً طرح‌هایی که سفارش می‌دهند، مربوط به ۵۰ یا ۶۰ سال قبل است و بنده در این کارگاه میل‌ها و صندلی‌های قدیمی را بازسازی و مرمت می‌کنم. سالیان متوالی با ذوق و علاقه زیاد به انجام این کار مشغول بودم و از حرفه‌ام لذت می‌برم و کار زیاد هیچ‌وقت بنده را خسته نکرده است.» احمدی تصریح می‌کند: «تولید صنعت میل وابسته به علاقه و ذوق هنرمند این کار است و اگر خلاقیت، ذوق و علاقه به انجام این کار نباشد، فرد هیچ‌وقت موفق نمی‌شود. بنده از دوران هنرستان که وارد رشته صنایع چوب شدم، به این حرفه علاقه زیادی داشتم و با خلاقیت ساخت وسایل چوبی را انجام می‌دادم. در این سال‌ها باتکیه بر همین موارد توانسته‌ام در این حرفه بمانم و به کارم ادامه دهم. عده‌ای از کنده درختان صندلی‌ها و از تنه درختان میز می‌سازند؛ اما کارهایی هم وجود دارد که سبک خاص تلقی می‌شود. بنده برای مثال، صندلی‌ها و مبلی‌هایی را که مربوط به دوران صفویه و چند قرن گذشته است، مرمت می‌کنم.»

او ادامه می‌دهد: «استاد بنده آقای چایی‌چه بوده که ساخت مبلی‌های او در حال حاضر در هتل شاه عباس وجود دارد و برای حرفه میل سبک خاص به یادگار گذاشته است. مانند

از گذشته تا کنون چوب و کالاهای ساخته شده بخش عمده‌ای از نیازهای بشری را فراهم کرده‌اند. این ماده طبیعی دارای خصوصیتی است که آن را از مواد دیگر مجزا می‌کند؛ به همین دلیل است که این صنعت تا به امروز پابرجا بوده و مواد جایگزین نتوانسته‌اند جایگزین آن شوند. میل‌سازی تلفیقی از هنر و صنعت و از مشاغل است که ماده اولیه آن را صنعت چوب تشکیل می‌دهد. شغل میل‌سازی زوایای مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها نجاری چوب است و قالب و پایه این نوع کسب‌وکار محسوب می‌شود. هنرمند این حرفه با خلاقیتی که دارد، به ساختن و خلق مبلمان‌های زیبا می‌پردازد که در نهایت برای دکوراسیون و زیبایی اداره، خانه و ویلا مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ تعدادی از مبلی‌ها هم بسیار قدیمی و عتیقه از دوره‌های قدیم وجود دارند که برای میراث‌فرهنگی حائز اهمیت بوده است. هنرمندان این حرفه با شوق و علاقه آن‌ها را بازسازی و ترمیم کرده و تحویل میراث‌فرهنگی می‌دهند تا برای نسل آینده نگهداری شوند. استاد علی احمدی متولد ۱۳۳۹ هنرمند میل‌سازی با سبک خاص، از اهالی محله زاجان است که از زمان کودکی در این محله بزرگ شده. از زمان نوجوانی که وارد هنرستان رشته صنایع چوب می‌شود، به رشته نجاری علاقه‌مند بوده و به ساختن وسایل با چوب مشغول می‌شود. بعد از آن هم به‌طور جدی این کار را ادامه داده و سال‌ها در این حرفه مشغول به یادگیری و آموختن بوده است؛ به نوعی که از کارکردن زیاد در این حرفه خسته نشده است و قریب نیم قرن این حرفه را ادامه داده و ذوق و علاقه ذاتی او به انجام این کار باعث ماندگار شدن او در حرفه تولید صنعت میل شده است.

نیم قرن تجربه کاری در تولید مبلی‌های قدیمی و خاص

او درباره فعالیت‌هایی که درخصوص حرفه تولید مبلی‌های قدیمی به سبک خاص دارد به «هم‌محله» می‌گوید: «بنده از ۱۳۵۰ وارد این حرفه شدم و بیش از نیم قرن است که در این کار مشغول ساخت وسایل چوبی و میل هستم. ساخت درهای سنتی را انجام می‌دهم و تولیدکننده میل در محله زاجان هستم. صنایع چوب در رشته میل‌سازی تنوع بسیاری مانند معرق، سنتی، منبت و موارد دیگر دارد و شاید به ۱۰۰ نوع برسد. در چند رشته صنعت چوب فعالیت دارم و در و پنجره‌های چوبی می‌سازم و کارهای سنتی قدیمی و خاص به سبک قدیم را هم انجام می‌دهم. بیشتر تولیدکننده موارد خاص هستم؛ یعنی مبلی‌هایی که در حال حاضر تولید نمی‌شوند و بسیار قدیمی هستند. اگر مشتری درخواست تولید میل قدیمی داشته باشد، این کار را انجام می‌دهم.» تولیدکننده مبلی‌های قدیمی و خاص می‌افزاید: «بعضی از مبلی‌ها و صندلی‌های قدیمی هم هستند



منیره فوامی

نمی دانستیم فرمانده است

گفت وگو با مادر و برادر شهید مصطفی باقرصاد



مزارش؛ ولی حالا دو سالی می شود به خاطر کسالت و پادرد نتوانسته ام سر مزارش بروم. قبلا خیلی خوابش را می دیدم. همیشه رفیق هایش را در خواب می دیدم که برایم از مصطفی نامه می آوردند. می گفتم؛ چرا خودش نیامده؟ می گفتند؛ این نامه را مصطفی داد، برایتان بیاوریم.

سال ۶۰ به دست اشرار به شهادت رسید

برادر شهید، آقای مرتضی باقرصاد، درباره او می گوید: «برای خدمت سربازی در سپاه، رفت سیستان و بلوچستان. ۹ بهمن سال ۶۰ در محمدآباد جیرفت کرمان در درگیری با قاچاقچیان و اشرار به شهادت رسید.

چند ماه قبل از شهادتش، آمد مرخصی. در سپاه ایرانشهر بود. ما آن زمان گوسفند داشتیم. دو تا گوسفند که ما نمی دانستیم صاحبشان کیست، آمده بودند قاتی گوسفندهای ما. گفت: داداش اینها کجا بودند؟ یک موقع اینها را نفروشی. باید دنبال صاحبشان بگردی؛ اگر هم پیدا نشد باید آنها را به حاکم شرع بدهی. سه چهار سال از من کوچک تر بود؛ ولی خیلی مقید بود به حرام و حلال.»

مگر همه مردم خانه دارند که من هم خانه داشته باشم

یک بار پدرم به مصطفی گفت: به جبهه نرو تا برایت زن بگیرم. ولی او گفت: حالا موقعی است که باید به دفاع از اسلام و انقلاب برخاست. بعد هم به اسلحه ای که همراهش بود، اشاره کرد و ادامه داد: ما با این اسلحه ازدواج کرده ایم و آنس گرفته ایم.

پدرم برایش نامه داده بود که بیا می خواهم برایت خانه بسازم. در جواب نوشته بود: مگر مردم همه شان خانه دارند که من هم خانه داشته باشم.

در وصیت نامه اش نوشته بود: امروز زمانی

پدرش کشاورز بود. یک تکه زمین داشتیم؛ توی آن سیب زمینی می کاشتیم. خیلی بچه اهل کار و دانایی بود. همیشه به پدرش کمک می کرد. سیب زمینی ها را که می آوردیم توی خانه، می گفت: ننه، اینها را خدا به شما داده تا به مردمی که وضع مالی خوبی ندارند هم بدهید. همیشه اول از همه سیب زمینی ها را برای خانواده های نیازمند می برد.

ابرویش را بخیه زده بودند

وقتی سیستان و بلوچستان بود، دو مرتبه در آغوش خطر رفت. بار دوم تیر از کنار ابرویش گذشته بود؛ جایش هم بود. ابرویش را بخیه زده بودند. خیلی موقعیت خطرناکی آنجا داشت؛ ولی به این چیزها اهمیت نمی داد. اینجا که آمده بود، مرتب ابرویش خارش داشت. وقتی رفتیم دکتر، گفت: درست بخیه نخورده است. نگرانش بودم؛ ولی مصطفی اصلا نگران نبود. می گفت: خودش خوب می شود. نگران نباشید. ما را هم می خندانند. می گفتم: این طور که بدون دوا و درمان که نمی شود. باز همان لبخندش را تحویلیمان می داد.

این نامه را مصطفی داد برایتان بیاوریم

اخلاقش خیلی خوب بود. همیشه دلش می خواست به دیگران کمک کند. خیرش به همه می رسید. به بقیه هم توصیه می کرد که خانواده، فامیل و همسایه را فراموش نکنند. بیشتر دوستانش را ما بعد از شهادتش شناختیم. می آمدند منزل ما و از مصطفی و خوبی هایش می گفتند. دامادم هم یکی از همزمان مصطفی بود. تعریف می کرد: یک شب خوابیده بودیم. دیدیم توی تاریکی یک چیزی تکان می خورد. مصطفی بود. داشت نماز شب می خواند.

قبلا روزی سه بار می رفتم گلزار شهدا، سر

با کلامی سرشار از مهر و محبت صحبتش را شروع می کند. «سلام عزیزم، قربونت برم که دلت هوای ما را کرده و یاد ما کردی. خدا حاجت قلب مهربانت را بدهد.» با شنیدن کلمات پراحساس مادر شهید، خانم خدیجه صباغ، قند توی دلم آب می شود. صدای مادری را می شنوم که فرزندش را در راه دفاع از وطن تقدیم کرده و امروز با قلبی لبریز از دلتنگی و افتخار، از خاطره هایی می گوید که هنوز هم در خانه شان جاری است. خانم صباغ، زنی است شیرین زبان و خون گرم، از همان مادرهایی که حرف هایشان مثل نسیم بهاری دل را آرام می کند و اشک را بی صدا از گوشه چشم جاری. در این گفت وگو، پای دلش می نشینم تا فرزند شهیدش مصطفی باقرصاد را بیشتر بشناسم و با زبان دلش، فرزند شهیدش را مرور کنیم....

روزها می رفت خیاطی و شبها درس می خواند

مصطفی سال ۱۳۹۹ توی همین محل در رهنان به دنیا آمد. ما یک خانواده مذهبی بودیم. او تا کلاس هشتم خواند. روزها می رفت خیاطی؛ مغازه حج غلام رضا. مغازه اش نزدیک حمام بزرگ رهنان بود. روزها کار می کرد و شبها درس می خواند. مرتب این طرف، آن طرف دنبال کارهای انقلابی بود. تظاهرات می رفت و اعلامیه پخش می کرد؛ حتی یک بار خودش راه پیمایی هم راه انداخت.

شکر خدا را به جا بیاور

حالا که نیست، می فهمم چه کسی بود. وقتی از دنیا و کم وزیادش حرف می زدم، می گفت: ننه، دست هایت را نگاه کن. خدا ۱۰ تا انگشت به تو داده، ولی هرکدام یک قدی دارد. همیشه به انگشت کوچک نگاه کن تا بفهمی خدا همه طور بنده ای دارد؛ هم پایین تر و هم بالاتر. شکر خدا را به جا بیاور.

است که باید به یاری اسلام و انقلاب برخاست و اسلام و انقلاب را یاری کرد.

قبل از شهادتش پیش بینی کرده بود که به شهادت می رسد

مصطفی از کودکی علاقه زیادی به جلسه های مذهبی و کلاس قرآن داشت. کمک به ایتام و امور خیریه از دستمزد اندکش، نمونه ای از ایثار و صداقت او و حسن خدمتش به هم نوع بود. مصطفی با دوستان و خانواده با صداقت و بی ریا رفتار می کرد.

شب قبل از شهادتش پیش بینی کرده بود که به شهادت می رسد. به رفقایاش گفته بود: ما صبح می رویم؛ ولی ما را با هلی کوپتر چوبی می آورند. منظورش این بود که هلی کوپتر دیر می رسد و من را افقی می آورند.

تیر به قلبش خورده بود؛ ولی چون وسیله ای برای بردنش به بیمارستان نبود، همان جا به شهادت رسیده بود. مصطفی در سپاه، فرمانده بود؛ ولی هیچ کس از این موضوع خبر نداشت. اصلا به ما چیزی در این خصوص نگفته بود. بعد از شهادتش ما را بردند و کارهایی را که انجام داده بود، به ما نشان دادند.





زهره قندهاری

سامان دهی معابر و پیاده‌روها

معضل‌های شهری محله زاجان به روایت ساکنان



محله زاجان با کمبود رفتگر روبه‌روست و کوچه‌ها وضعیت مناسبی ندارند. آیا برای حل این مشکل اقدامی در دستور کار دارید؟

نظافت و رفت‌وروب در شهرداری به صورت برون‌سپاری و از طریق پیمانکاران مربوط انجام می‌شود و شهرداری باتوجه به وظایف خود به‌طور مرتب بر کار پیمانکاران نظارت دارد؛ اما چنانچه شهروندان عزیز درباره محلی اعتراض یا ایرادی دارند می‌توانند با شماره‌تلفن ۱۳۷ تماس بگیرند تا سریع بررسی‌های لازم انجام شود.

ساکنان محله اذعان دارند شکل ظاهری محله چندان مناسب نیست و اقدام زیباسازی خاصی در این محدوده انجام نشده است. آیا قرار است اقدامی در این زمینه انجام شود؟

منطقه دارای بافت فرسوده زیادی است و سعی شده در پروژه‌های محله‌محور بیشتر به اقدام‌های زیرساختی مانند روکش و ترمیم آسفالت معابر اصلی و فرعی، آزادسازی گلوگاه‌ها به‌ویژه در بافت فرسوده، سامان‌دهی معابر و پیاده‌روها و سامان‌دهی بوستان و توسعه فضای سبز شهری پرداخته شود؛ اما درخصوص زیباسازی نیز هر سال بودجه‌های زیباسازی در موضوعات مختلف در بودجه منطقه لحاظ شده است که برای پروژه‌ها اختصاص داده می‌شود.

فقدان پارکینگ مناسب و ترافیک زیاد خیابان شریف دوسر زیادی برای ساکنان ایجاد کرده است. برای رفع این معضل چه می‌کنید؟

با پلیس راهور برای نظارت بیشتر و اعمال قانون جهت حذف پارک دوپل که باعث تشدید ترافیک در این خیابان شده هماهنگی‌های لازم صورت پذیرفته است؛ ضمن اینکه اجرا و افتتاح خط دو مترو که از نزدیکی محله زاجان عبور می‌کند در

شهرداری منطقه ۱۱ اصفهان در محدوده‌ای به وسعت ۱۰۹۷ هکتار در غرب اصفهان واقع شده است و جمعیتی بالغ بر ۷۰ هزار نفر دارد که در هفت محله ساکن هستند. این منطقه از پنج فرهنگ‌سرا، هنر سرا و باغ بانوان (یک عدد واگذاری)، ۳۸ مسجد، ۴۵ هیئت مذهبی، ۱۵ کانون فرهنگی، ۲۶ مدرسه، یک مرکز توانمندسازی بانوان، یک سالن مطالعه (واگذاری) و یک سایت گردشگری (حمام رهنان) برخوردار است و دارای یک کتابخانه عمومی است.

زاجان یکی از محله‌های این منطقه است که به روایت ساکنانش مشکلاتی دارد. مهدی غلامی، مدیر منطقه ۱۱ شهرداری اصفهان به معضل‌های شهری ساکنان پاسخ می‌دهد.

خیابان‌های محله زاجان کم‌عرض و پرترافیک است. آیا برای تعریض خیابان‌ها اقدامی در دستور کار دارید؟

با عنایت به بافت منطقه، تعریض خیابان‌های سطح منطقه در چهارچوب طرح تفصیلی بر اساس اولویت‌بندی و منابع در دسترس در دستور کار قرار دارد. البته تعریض معابر و آزادسازی گلوگاه‌ها به همکاری و مشارکت شهروندان و مالکان پلاک‌های مجاور معابر نیاز دارد.

بافت‌های فرسوده و رهاشده در محله زیاد است. شهرداری برای رهایی از این معضل چه راهکاری دارد؟

در راستای تشویق شهروندان به نوسازی در بافت فرسوده، طبق بند ۶۸ مصوبه مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۱ پلاک‌های واقع در پهنه بافت فرسوده به تناسب گروهی که در آن واقع می‌شوند، می‌توانند از بسته‌های تشویقی در نظر گرفته‌شده اعم از طبقه مازاد، سطح اشغال ۷۰ درصد، اختصاص سطح اشغال مجاز طبقه همکف به کاربری انتفاعی، در اضافه برای تأمین پارکینگ، احداث واحد مسکونی زیر حد نصاب و ... استفاده کنند.

با در نظر گرفتن جمیع شرایط فعلی شهرداری موارد فوق، ایجاد مجموعه جدید در اولویت کاری منطقه نیست.

آینده نزدیک باعث کاهش ترافیک در این محله می‌شود.

محله زاجان به یک مرکز فرهنگی نیاز دارد. آیا شهرداری در این خصوص اقدامی انجام می‌دهد؟

نگاه شهرداری به احداث پروژه‌های فرهنگی ورزشی به صورت منطقه‌ای و دسترسی عمومی است. محله زاجان دارای مراکز فرهنگی ورزشی همچون ورزشگاه شهدای رهنان، ورزشگاه روباز بوستان شهدای مدافع حرم و سالن رزمی بوستان شاهد است و فرهنگ‌سرای دانش در فاصله حدود ۸۰۰ متری آن قرار دارد و مسجد علی بن ابیطالب (ع) نیز دارای یک طبقه کامل فضای فرهنگی آموزشی است که شهرداری در قالب کمک به مجموعه‌های فرهنگی مساجد به این مجموعه نیز کمک کرده است.

آسفالت کوچه‌ها مناسب نیست و در زمان‌های بارندگی آب داخل کوچه‌ها جمع می‌شود. برای آسفالت‌ریزی در این محله اقدامی انجام می‌شود؟

در این دوره مدیریت شهری، برابر با ۲۰ سال گذشته عملیات آسفالت در منطقه ۱۱ انجام شده است که به هیچ عنوان قابل قیاس با دوره‌های گذشته مدیریت شهری نیست؛ اما از آنجایی که همیشه نیازها بیش از منابع در دسترس هستند، طبیعی است که همه اقدام‌ها در یک چهارچوب اولویت‌بندی‌شده صورت پذیرد و مشکلات موجود به‌مرور رفع شود.

شبکه معابر شهری در این دوره مدیریت شهری در اولویت اول منطقه قرار داشته است؛ به‌ویژه در قالب پروژه‌های محله‌محوری که اولویت رسیدگی به بافت محله‌ها و ارتقای سطح کیفی زندگی شهروندان است؛ به‌عنوان مثال در سال ۱۴۰۳ بالغ بر ۱۱۳ هزار متر مربع با اعتباری بالغ بر ۴۵۰ میلیارد ریال روکش و ترمیم آسفالت معابر اصلی و فرعی انجام شده است.

خیابان شهیدان باباصفری پیاده‌رو ندارد. اقدامی برای اجرای این پروژه در دستور کار دارید؟

سامان‌دهی خیابان شهیدان باباصفری در برنامه بودجه ۱۴۰۴ قرار دارد که شامل سامان‌دهی پیاده‌رو و مسیر عبور خودروها و کاهش ترافیک است. همانطور که پیش‌تر توضیح داده شد اصلاح زیرساخت‌ها، به‌ویژه معابر شهری در اولویت منطقه قرار دارد و در چهارچوب بودجه معین اقدام خواهد شد.





زهره سادات کافمی

زاجان؛ سرزمین برج های قدیمی

گفت و گو با مردمی که از داشته ها و نداشته های محله زاجان می گویند

سیم ها را دزدیده اند.»
خیابان شریف غربی یکی از خیابان های اصلی زاجان است که امروز فعالیت های اقتصادی مهمی در آن جریان دارد. همین مسئله باعث تشدید ترافیک در این خیابان شده است. خیابان پارکینگ مناسبی ندارد و مردم زیادی برای خرید مراجعه می کنند که در کوچه ها و خیابان های هم جوار پارک می کنند. عرض کم خیابان شریف، پاسخگویی این همه از ترافیک نیست. ترافیک کلافه کننده، یکی از مشکلات ساکنان این منطقه است. داشتن بافت فرسوده و کوچه هایی با عرض کم هم یکی دیگر از مشکلاتی است که اهالی محله زاجان به آن اشاره کردند.

خیابان تقی یار بلا تکلیف رها شده است

بعد از گذشتن از مراکز تجاری و زمین های بایر اطراف محله به پارک مدافعان حرم می رسیم. در کنار پارک، خیابانی به نام شهید تقی یار از زیر دکل های برق فشار قوی، کشیده شده است. خیابان شهید تقی یار قرار است به خیابان امام خمینی متصل شود. اما خیابان سال ها است تا نیمه رسیده و رها شده و به علت قرارگرفتن در محدوده دو منطقه شهرداری، ناقص مانده است. راه اندازی این خیابان از بار ترافیکی محله زاجان و محدوده آن می کاهد. پارک مدافعان حرم، فضای سبز مناسبی است که به قول کسبه روبه روی پارک، حالا مأمونی برای اتباع بیگانه شده است. در پارک گروه های دسته جمعی از اتباع بیگانه دور هم جمع هستند و مشغول بازی. عصرها پارک تقریباً پاتوق اتباعی است که ساکن محله زاجان هستند.

فرهنگ سرا نداریم

تراکم محله زاجان بالاست و داشتن مراکز فرهنگی یکی از نیازهای آن است؛ اما زاجان محروم از یک مرکز فرهنگی مناسب است و نداشتن فرهنگ سرا، یکی از مشکلاتی است که مردم به آن اشاره داشتند. زاجان محله ای قدیمی است که ساختمان های رها شده و فرسوده در کوچه های آن به خوبی مشهود است و تلاشی هم برای بازسازی و استفاده مجدد از خانه هایی که برخی از آن ها تاریخی بود، نشده است؛ درحالی که این خانه ها می توانست به زیبایی و دیده شدن محله کمک زیادی کند.



پارک رسیدگی کند.» خانم دیگری هم درد دلش شروع می شود و اضافه می کند: «کوچه ها نظم ندارد و پر از آشغال شده و رفتگر خیلی دیر به دیر کوچه ها را جارو می کشد. وضعیت نامناسبی داریم. خانه ها هم شده پر از اتباع بیگانه که مشکلات کم ندارند. فکری برای این همه مشکل توی زاجان نمی کنند. محله زاجان محله بومی بود؛ حالا از همه جای ایران و افغانستان و پاکستان مهاجر دارد.» او به دزدیده شدن کابل های برق هم اشاره می کند: «مخابرات می گوید باید هزینه بدهید تا تلفن را وصل کنیم. چند ماه است تلفن نداریم،

نیمکت نشسته، اول به سراغ وضعیت پارک و نداشتن رفتگر و باغبان برای پارک می رود و بعد از تبدیل شدن کتابخانه داخل پارک به محل ورزش بانوان، گله می کند و ادامه می دهد: «اینجا سالن مطالعه بود؛ اما سالن ورزش خانم ها شد. ترافیک زیادی توی کوچه ما درست شده و والدین برای بردن بچه ها راه بندان راه می اندازند و با بوق بچه ها را صدا می زنند. شب ها هم جوان ها کنار پارک تجمع می کنند و سروصدای موتورسوارها آدم را کلافه می کند. وقتی معترض می شوم، می گویند خانه ات را بفروش. باید شهرداری به وضعیت

وقتی محله زاجان برای این شماره انتخاب شد، اولین چیزی که پیش رویمان قرار گرفت، پراکندگی محله و محاصره شدن آن در میان زمین های کشاورزی وسیع بود. زاجان چندتکه بود و همین چندتکه بودن برای رصد محله، کار را دشوار می کرد؛ اما این مسئله باعث نشده بود که گذشته و داستان های زاجان در میان پراکندگی اجباری به واسطه توسعه محله، گم شود. زاجان را می توان محله برج های قدیمی خواند؛ محله ای با قدمت که برج های کبوترش، یکی از شاخصه های آن است.

برای شنیدن ناگفته های مردم محله زاجان، کارمان را از میدان شاهد شروع کردیم؛ میدانی که مرکز سوق الجیشی یک منطقه بزرگ به نام رهنان است. پارک بزرگ شاهد، اولین مرکزی است که روزها مردم محله زاجان و محله های اطراف به آن پناه می برند و قدیمی ها دور هم جمع می شوند تا خاطرات دوران گذشته و اتفاقات حال را مرور کنند. چند پیرمرد روی دیوار سیمانی ابتدای پارک نشسته بودند. وقتی قرار شد از مشکلات بگویند، یکی از آن ها که دستش را پشت کمرش گذاشته بود تا ستون شود، می گوید: «محله زاجان مشکل کم ندارد. اصلاً اتناگر قرار نیست مادیده شویم. بین محله ما با محله بالا خیلی تفاوت است. کارهایی که در محله ماشاده انجام می دهند برای ما انجام نمی دهند. به عدالت رفتار نمی شود.»

سرش را می چرخاند سمت خیابان روبه روی پارک و ادامه می دهد: «ببین خانم، این خیابان شهیدان بابا صفری، پر از چاله و چوله است. پیاده رو ندارد. وقتی افراد مسن بخواهند از کنار خیابان تا پارک بیایند، ایمنی ندارند. اصلاً وضعیت آسفالت کوچه مناسب نیست. توی محله چراغ برق کم است و شب ها در بعضی کوچه ها ظلمات می شود.»

وضعیت رفت و روپ محله ها مناسب نیست

چند خانم را که روی نیمکت نشسته اند برای ادامه گفت و گو انتخاب می کنم. خانم خوش بیانی که از طرز صحبتش مشخص است سواد دارد و اهل مطالعه، می گوید که اهل محله زاجان نیست؛ وگرنه تمایل دارد صحبت کند. به خانم های روبه رویی اشاره می کند تا درباره مشکلات زاجان از آن ها بپرسم. یکی از خانم هایی که وسط





زهره قندماری

طرح‌های محله محور برای شهروندان

گزارشی از اقدام‌های شهرداری منطقه برای حل چالش‌های منطقه ۱۱ و محله زاجان

حداقل رساننده و با دارا بودن جمعیت فراوان از خدمات محروم هستند.

مراکز و سمن‌های مستقر در منطقه: این مجموعه‌ها به واسطه وضع نابسامان اقتصادی جامعه و عدم حمایت مراکز دولتی دچار چالش و مشکلات عدیده‌ای هستند و کم‌کم رو به تعطیلی می‌روند. عدم توانایی و به‌روزی بودن مراکز فرهنگی در پاسخگویی به نیازهای جامعه و خصوصا قشر جوان به علت عدم برخورداری از منابع انسانی توانمند، نوجوانان تقریبا بزرگ‌ترین گروه سنی منطقه را در بردارند و فضا و بستر قابل ملاحظه یا مرکز تخصصی و حتی گروه یا سمنی که در این جهت برنامه‌ریزی و فعالیت کنند، وجود ندارد.

شناسایی ظرفیت‌های موجود

(۱) مجموعه‌های مردمی: وجود گروه‌های فرهنگی مانند آسمان، آیین و... وجود گروه‌های ورزشی خودجوش و مردمی مانند گروه کوهنوردی، کانون دوچرخه‌سواری، باشگاه‌های محلی، وجود مجموعه‌های خدماتی که توان جذب گردشگر را از سایر نقاط شهر دارد، مانند فروشگاه‌های خدماتی انصاری و... وجود ستاد نماز جمعه غرب اصفهان، حوزه‌های علمیه و هیئت‌ها؛

(۲) منابع انسانی: وجود تاجران، استادان، ورزشکاران، مدیران، فرماندهان نظامی و انتظامی که در بخش‌های مختلف کشور فعال هستند؛

(۳) سرمایه‌های اقتصادی: معروف بودن منطقه به ارزان‌فروشی و وجود کسبه باانصاف و خوش حساب، وجود قرض‌الحسنه‌های محلی فعال، برند مبل، صنایع چوب و قدمت آن و بستنی‌رهنان؛

(۴) سرمایه‌های فرهنگی: تعزیه، وجود ۵۰ شهید، وجود امامزاده میر شرف‌الدین، زنجیرزنی خاص با ثبت جهانی؛

(۵) سرمایه‌های هنری: وجود دو انجمن شعر و شاعری، وجود صنایع دستی مانند مس، قلم‌زنی، ملیله و... وجود صنایع هنری کار با چوب منطقه از لحاظ جمعیت و نیروی جوان، علاقه و انگیزه، کانون‌ها، مساجد، مدارس و پایگاه‌ها می‌توانند در پیشبرد امور ورزش همگانی رهنان مؤثر باشند.

(۶) سرمایه‌های ورزشی: قهرمانان جهانی، آسیایی و استانی، بیش‌کسوتان ورزشی در رشته‌های مختلف، وجود زمین‌های متعددی

منطقه ۱۱ به روایت سرانه‌های ورزشی

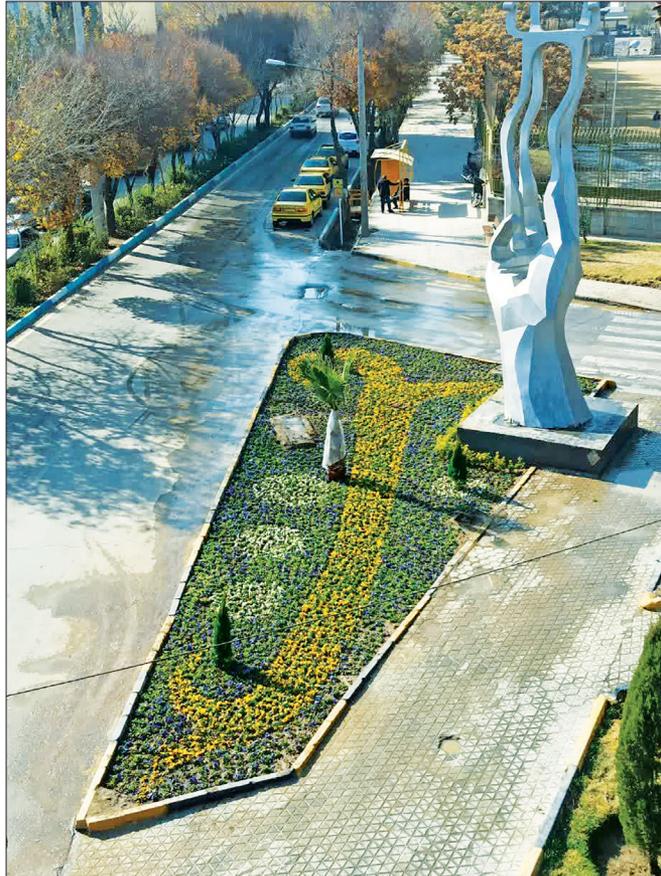
این منطقه، دو سالن چندمنظوره یک سالن رزمی مربوط به شهرداری، دو ورزشگاه روباز چمن مصنوعی در دو بوستان درخشان و بوستان شهدای مدافع حرم، یک مجموعه ورزش باستانی به نام زورخانه ذوالفقار، پنج مجموعه ورزشی روباز و سالن رزمی امیرکبیر دارد که این سالن مربوط به اداره ورزش و جوانان است و کانون و مساجد نیز فعالیت‌های ورزشی انجام می‌دهند. کانون فرهنگی اندیشه مربوط به آموزش و پرورش، دو مرکز پرورش اندام مربوط به بخش خصوصی و سالن ورزشی مربوط به بسیج در منطقه وجود دارد. رشته‌های ورزشی مورد اقبال عمومی که در همه مراکز ورزشی منطقه برگزار می‌شود، عبارت است از رشته‌های ورزشی توپی، فوتبال، فوتسال، والیبال، هندبال، بسکتبال و بدمینتون. همچنین رشته‌های رزمی کاراته، تکواندو، آمادگی جسمانی، ژیمناستیک، کونگ‌فو، نینجا، ایروبیک، یوگا، پیلاتس (اهتمام، مادر، دانش) شطرنج، کوهنوردی و تنیس نیز وجود دارد.

اجرای برنامه‌های مشارکتی

محور برخی از برنامه‌های منطقه ۱۱ بر اجرای برنامه‌های مشارکتی با سازمان‌ها، تشکل‌های مردمی و سایر بخش‌های شهرداری متمرکز شده و مراکز فرهنگی نیز محور فعالیت خود را بر انجام برنامه‌های خودگردان تنظیم کرده‌اند. جذب امکانات و برنامه‌های سازمان فرهنگی، اجتماعی ورزشی، خدمات شهری، مرکز بهداشت، بهزیستی، آموزش و پرورش و نیز استفاده از توانایی زنان در برگزاری کارگاه‌های آموزشی، همپاسازی فرصت برای خیریه‌ها و سمن‌ها اجرا شده است که هرچند هنوز با ایدئال‌ها فاصله زیادی دارد؛ اما کارنامه درخشانی را برای این منطقه رقم زده است.

چالش‌های پیش روی منطقه

صنعت چوب: با توجه به راه‌اندازی شهرک‌های صنعت چوب در اطراف منطقه، متأسفانه صنعت چوب منطقه با بحران روبه‌رو شده؛ این در حالی است که برندسازی صنعت چوب می‌تواند کل این صنعت را نجات بدهد و بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم را بهبود بخشد. کمبود مراکز فرهنگی فعال در برخی محله‌ها، سرانه فرهنگی، ورزشی، اجتماعی را برای شهروندان به



۳۸ مسجد، ۴۵ هیئت مذهبی، حوزه‌های علمیه، ۱۵ کانون فرهنگی، ۲۶ مدرسه، یک مرکز توانمندسازی بانوان، یک کتابخانه و سالن مطالعه و سه محور گردشگری شامل مسجد جامع تاریخی، حمام رهنان و گذر گردشگری ابودر است؛ همچنین سمن‌های مستقر در منطقه در قالب ۱۱ خیریه فعالیت دارند. جمع کل فضای سبز منطقه بالغ بر ۴۵۰ هزار مترمربع است. در منطقه ۱۱ شهرداری اصفهان یک مجموعه استخر وجود دارد که توسط بخش خصوصی اداره می‌شود. تمایل به ورزش، خصوصا در بین نوجوانان و جوانان در منطقه به خصوص در رشته فوتبال وجود دارد و در سال‌های اخیر تمایل به انجام ورزش‌های قهرمانی به دلیل تمایل خانواده‌ها بیشتر شده است.

شهرداری منطقه ۱۱ اصفهان در محدوده‌ای به وسعت ۱۰۹۷ هکتار در غرب اصفهان واقع شده است و جمعیتی بالغ بر ۷۰ هزار نفر دارد که در هفت محله ساکن هستند. با توجه به رونق صنعت مبل کارگاه‌ها و مراکز صنعتی مرتبط زیادی همراه با مراکز فروش در منطقه وجود دارد که باعث جلب و جذب نیروی کار شده است. به دلیل محرومیت کلی منطقه، حاشیه و پایین بودن هزینه‌های زندگی از جمله اجاره بهای مسکن، گروه کثیری از مهاجران جویای کار از سایر شهرها ساکن شده‌اند که این مسئله عامل بسیاری از مشکلات شده و نارضایتی افراد بومی اصیل را به همراه آورده است.

منطقه ۱۱ روی ریل فرهنگ

منطقه ۱۱ شهرداری اصفهان با برخورداری از پنج فرهنگ‌سرا، سینما و باغ بانوان،





بازدید از مزارع سبزی‌ها و کاشت گل‌دان‌های سبزی و خرید آن؛
- برگزاری نمایشگاه‌های متنوع مبل و تبدیل آن به برند بازار مبل، حراجی مبل و...؛
- احداث باغ و ویلاگردی؛
باتوجه به بخش گسترده از زمین‌های منطقه که کشاورزی‌اند و مردم خواهان ساخت باغ هستند، احداث و ایجاد کوچه‌باغ‌های زیبا و سنتی و خدمات جانبی برای شهروندان و گردشگران می‌تواند منطقه را متحول کند.

- سامان‌دهی محور خرید از رهنان با عنوان «خرید ارزان» و «رهنان، خطه پر خیروبرکت»؛
- احداث مجموعه تفریحی ویژه کودک و نوجوان، هم‌جوار با بوستان شهدای مدافع حرم برای جذب گردشگر؛
- راه‌اندازی نمایشگاه بازار آموزش و فروش صنایع دستی، به‌خصوص صنایعی که می‌تواند تکمیل‌کننده صنعت قبل باشد؛
- راه‌اندازی سایت مزرعه سبزی، ایجاد فرصت برای برگزاری اردوهای دانش‌آموزی با هدف

محلها در دستور کار قرار گیرد. مشارکت‌جویی و یا شناسایی افراد مؤثر و تشکیل تیم‌ها و گروه‌های خاص با رویکرد تأمین نیازهای فرهنگی و اجتماعی مردم در سطح محله‌ها، بسترسازی با رویکرد مهم محله پایدار و تاب‌آور اجتماعی؛
- کالبدی: فرسودگی‌های معابر و جداره‌های تجاری و وجود زمین‌های خالی و فضاهای بی‌دفاع شهری؛
- فراگیرکردن ورزش در همه سنین و قشرهای مختلف مردمی؛
- افزایش سرانه ورزشی در ساخت‌وساز و فضاهای ورزشی؛
- افزایش زیرساخت‌های ورزش همگانی؛
- شناسایی ظرفیت‌های موجود در منطقه؛
- شناسایی کمبودهای ورزشی تئوری عملی، افزایش مشارکت مردمی و مشارکت‌پذیری؛
- واگذاری برنامه‌ها به خود مردم و گروه‌ها خصوصا در بحث ورزش همگانی و توسعه آن؛
- راه‌اندازی و تشکیل انجمن‌ها و هیئت‌های ورزشی در محله‌ها؛
- استفاده بهینه از زمان و سانس‌های بلااستفاده در عرصه ورزش؛
- آموزش ورزش شهروندی در خصوص سلامت و خانواده‌ها؛
- سامان‌دهی، تجهیز و به‌روزرسانی اماکن ورزشی موجود؛
- فراهم‌کردن بسته‌های ورزشی برای انجمن‌ها و گروه‌های ورزشی؛
- تشکیل شورای ورزشی منطقه و محله‌ها؛
- برگزاری جشنواره‌های ورزشی تفریحی و افزایش آن‌ها؛

که می‌توان کاربری آن را ورزشی کرد. وجود زمین‌های خوش‌قواره برای ایجاد فضاهای ورزشی، نیروی کودک و نوجوان، هم‌جواری محله‌ها یا فاصله اندک آن‌ها برای اجرای برنامه‌های متفاوت، وجود بوستان‌ها و فضاهای روباز ورزشی برای اجرای برنامه‌ها، وجود پیش‌کسوتان ورزشی مخصوصا رشته فوتبال، مربیان ورزش مدارس در منطقه، مربی تیم‌های برتر استان، اسب‌سواری و علاقه شدید مردمی به این ورزش؛
۷) سرمایه‌های گردشگری: گردشگری، بوم‌گردی تاریخی و مردم‌شناختی، حمام، مسجد، زورخانه و بازار که در کنار هنرهای ممتاز وجود دارد. محور قلعه کریم‌آباد و طبیعت کشاورزی اطراف آن، محور زاجان و حمام قدیمی و منازل سنتی، محور برج‌های کبوتر منطقه.

اقدام‌های اجرایشده در محله زاجان

- نماسازی مسجد علی ابن ابیطالب(ع)؛
- احداث پاتوق محلی مسجد علی ابن ابیطالب(ع) و سامان‌دهی آب‌نما؛
- واکاری رفیوژ وسط و کناری خیابان‌های شهیدان عاملی، شهیدان باباصفری و شریف غربی؛
- سامان‌دهی فضاهای ناامن و بی‌دفاع از طریق ماده ۱۱۰ و ماده ۵۵ بند ۱۴ قانون شهرداری‌ها؛
- آسفالت معابر اصلی و فرعی؛
- پیاده‌روسازی خیابان شهیدان عاملی؛
- اجرای طرح‌های محله‌محور برای مشارکت‌جویی سازمان‌های مردم‌نهاد؛
- هویت‌سازی، طراحی و فضاسازی مطلوب

زاجان؛ محله هنرمندان

گفت‌وگو با ناصر صباغی، هنرمند خاتم‌کار زاجانی



گردشگرها به شهر اصفهان و موانع جدی که بر سر راه صادرات محصولات خاتم‌کاری وجود دارد، باعث شده است تا این هنر اصیل ایرانی کمتر مورد توجه قرار بگیرد و کم‌کم رو به فراموشی برود؛ چرا که اکنون اندک افراد انگشت‌شماری در این حرفه باقی مانده‌اند و با درآمد بسیار ناچیز خود امرارمعاش می‌کنند.

محله زاجان امکانات رفاهی نیاز دارد

صباغی اظهار کرد: ما به‌عنوان تولیدکننده باید محصولاتمان را به‌صورت چکی به فروشگاه‌ها بفروشیم و تا زمانی که چک ما تبدیل به پول بشود، با وضعیت افزایش روزانه تورم قطعا دچار ضرر می‌شویم و همین موضوع باعث شده تا فعالان صنف خاتم‌کاری از شغل خود کناره‌گیری کنند.

او در پایان در خصوص محله زاجان گفت: متأسفانه این محله طی گذشت سالیان طولانی از زمان تولد من تاکنون تغییرات چشمگیری نداشته است و فرزندان ما اگر بخواهند از لحاظ تحصیلی، ورزشی و فرهنگی پیشرفت کنند، باید به محله‌های دیگر بروند؛ زیرا در محله زاجان مدرسه خوب، فرهنگ‌سرا و ورزشگاه نداریم. این خاتم‌کار اصفهانی افزود: بیشتر نوجوانان و جوانان در محله زاجان به رشته‌های فنی و حرفه‌ای علاقه دارند؛ اما باعث تأسف است که ما هنرستان نداریم و در یک‌کلام می‌توان گفت که وضعیت این محله به‌شدت نیاز به بازبینی و دلسوزی بیشتر مسئولان دارد.

محله زاجان یکی از محله‌های قدیمی و اصیل در غرب شهر اصفهان است. این محله دارای پیشینه تاریخی و فرهنگی بوده و به‌عنوان یکی از محله‌های بااصالت اصفهان، بافتی سنتی و تاریخی دارد و بسیاری از ویژگی‌های معماری و سبک زندگی قدیمی اصفهان را در خود حفظ کرده است. قدمت محله زاجان که در لفظ محلی‌ها به زاگون معروف است، به دوران پیش از اسلام می‌رسد. خانه‌های قدیمی با دیوارهای گلی، سقف‌های قوسی و حیاط‌های بزرگ از ویژگی‌های معماری این محله است. برخی از این خانه‌ها هنوز هم با برج‌ها هستند و حال‌وهوای گذشته را زنده نگه داشته‌اند. ساکنان محله زاجان اغلب افرادی اصیل و با فرهنگ هستند که به آداب و رسوم قدیمی اصفهان پایبند بوده و بسیار مهمان‌نوازی و صمیمی هستند.

در گذشته زاجان محله هنرمندان بود

در گذشته، رهنان یکی از مراکز مهم صنعت و هنر در اصفهان شناخته می‌شد و مردم زاجان هم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محله‌های رهنان، اغلب هنرمند و صنعتگر بودند و به تولید صنایع دستی مانند قالی‌بافی، خاتم‌کاری، قلم‌زنی و سفالگری مبادرت داشتند. ناصر صباغی، یکی از هنرمندان میان‌سال که متولد و ساکن محله زاجان است در این خصوص گفت: من در سال ۱۳۴۷، در محله زاجان در خانواده‌ای هنرمند به دنیا آمدم؛ به طوری که اغلب افراد خانواده من

در شغل خاتم‌کاری، که یکی از هنرهای اصیل و سنتی مخصوص شهر اصفهان است، مشغول به فعالیت بودند. این هنرمند محله زاجان با بیان اینکه یکی از گونه‌های زیبا، اصیل و هنرمندانه صنایع دستی اصفهان خاتم‌سازی است، اذعان کرد: هنر خاتم‌کاری، در واقع هنر آرایش سطح اشیای چوبی به صورتی شبیه به موزاییک با مثلث‌های کوچک است که هر چه این مثلث‌ها ظریف‌تر و طرح‌ها و اشکال منظم‌تر باشند، خاتم مرغوب‌تر خواهد بود.

آغاز خاتم‌کاری در اصفهان از دوره سلجوقیان
این هنرمند ادامه داد: سابقه خاتم‌کاری در اصفهان به دوره سلجوقیان می‌رسد که برخی از آن‌ها مانند در شبستان مسجد جامع اصفهان به جا مانده است و این هنر در زمان صفویه به اوج می‌رسد که هم اکنون آثاری مثل در مدرسه سلطانی چهارباغ که در بازار هنر قرار دارد، از آن زمان به یادگار باقی مانده است.

صباغی ضمن اظهار تأسف از روبه‌افول‌رفتن این هنر دستی ارزشمند، عنوان کرد: شرایط اقتصادی مردم در سال‌های اخیر، به‌گونه‌ای پیش‌رفته است که اولویت هر خانواده اول تأمین مایحتاج خوراکی است و حقوق افراد این امکان را به آن‌ها نمی‌دهد که وسایل تزئینی خریداری کنند.

این خاتم‌کار اصفهانی افزود: کاهش رفت‌وآمد



مهناز احمدی



زهره قندهاری

زوایای زاجان

معضل های محله زاجان به روایت ساکنان

شهرداری منطقه ۱۱ اصفهان در محدوده‌ای به وسعت ۱۰۹۷ هکتار در غرب اصفهان واقع شده است و جمعیتی بالغ بر ۶۳ هزار نفر دارد که در هفت محله ساکن هستند. محله زاجان یکی از محله‌های منطقه ۱۱ شهرداری اصفهان است که ویژگی‌های خاصی دارد. مهدی غلامی، مدیر منطقه، در این محله اقدام‌هایی انجام داده است؛ اما ساکنان هم به برخی از معضل‌های محله اشاره کرده‌اند که هر دو مسئله در قالب اینفوگرافی روایت شده است.

اقدام‌های اجرا شده در محله زاجان



نماسازی مسجد
علی ابن ابیطالب (ع)

احداث پاتوق محلی مسجد
علی ابن ابیطالب (ع) و
سامان دهی آب‌نما



آسفالت معابر
اصلی و فرعی

واکاری رفیوژ وسط
و کناری خیابان‌های
شهیدان عاملی، شهیدان
باباصفوری و شریف غربی



سامان دهی فضاهای
ناامن و بی‌دفاع از طریق
ماده ۱۱۰ و ماده ۵۵ بند
۱۴ قانون شهرداری‌ها



پیاده‌رو سازی خیابان
شهیدان عاملی



احداث پاتوق شهری
خیابان شهیدان عاملی

پیاده‌رو سازی
خیابان شریف غربی



سامان دهی خیابان
شهیدان باباصفوری

معضل‌های محله زاجان



وجود بافت‌های
فرسوده و رها شده

خیابان‌های کم عرض
و تراکم ترافیک



وضعیت نامناسب
کوچه‌ها

نبود پیاده‌رو
در خیابان
شهیدان باباصفوری



فقدان پارکینگ مناسب

ظاهر نامناسب محله

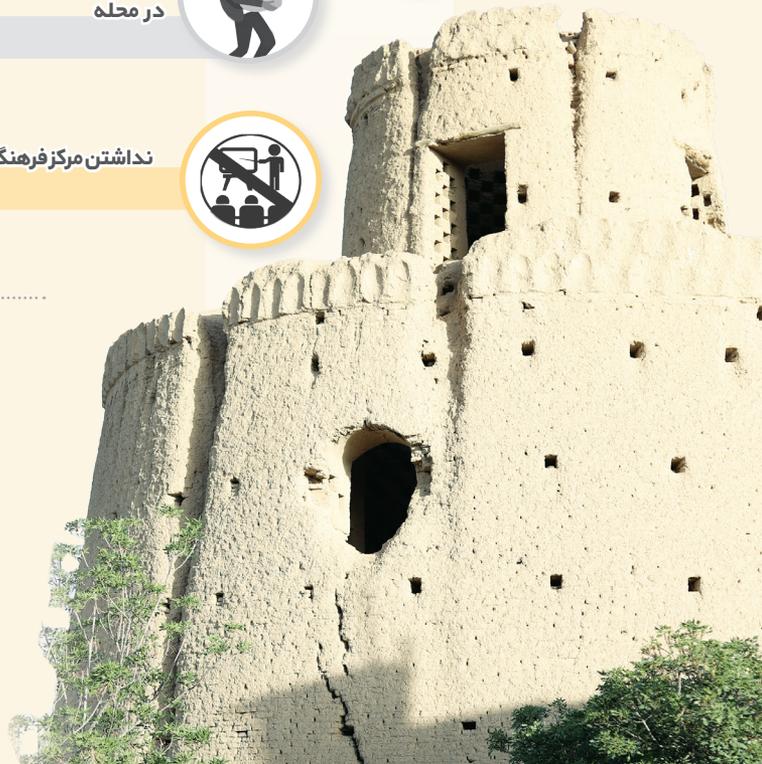


عدم تعیین تکلیف خیابان
شهدای مدافع حرم

وجود زیاده‌گردها
در محله



نداشتن مرکز فرهنگی



عکس کوثر رحیمی

مدیر فنی و گرافیک علیرضا مظاهری
طراح و صفحه‌آرا سولماز رجبی
دبیر تحریریه ویژه نامه زهره سادات کاظمی
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، لیلا کهلانی، مهناز احمدی، دلارام
قندهاری، مریم نقیان، زینب دبیری، زهره سادات طالقانی و اکرم کیانی
ویراستاران سارا حفیظی، عذرا دیانی

صاحب امتیاز شرکت فرهنگ، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیرمسئول دکتر علی قاسم‌زاده
مدیرعامل احسان تیموری سیجانی
سردبیر محمد حسین اعترازیان
دبیر ویژه نامه محسن حیدری فرد

اصفهان زیبا
هرمحله



برای دیدن تصاویر بیشتر
بارکد را اسکن کنید